

ارتباط هویتی میان یهود و صهیونیسم

هادی آجیلی

تاثير و روشن نماييم كه آيا ميان پديده هاي يهود^۱

و صهيونيسم^۲ ارتباط هویتی وجود دارد؟

برخی از اندیشمندان، به خصوص در غرب، معتقدند که مسئله صهیونیسم^۳ دارای تاریخ شکل گیری مشخصی دارد و نیرو تحولات ناسیونالیستی در اروپا، مورد آزار و اذیت بودن قوم یهود در آن منطقه و علاقه وافر یهودیان به تشکیل یک ملت واحد در یک سرزمین مقدس نهضت صهیونیسم در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی بوجود آمد. لذا این پدیده مربوط به دوه، یا سه قرن اخیر است و میان یهود تاریخی یا دین یهود و اهداف صهیونیسم نمی توان انطباق هویتی قائل شد. در نتیجه منتقدان به این انطباق،

درآمد

کتب، مقالات و سخنرانی های بسیاری در تبیین پدیده صهیونیسم وجود دارد که در بیشتر آنها مسئله ارتباط هویتی^۴ یهود^۵ و صهیونیسم^۶ به عنوان پیش فرض تلقی شده است. در این نوع مطالعات، دین و تاریخ یهود به مثابه اساس، ریشه و عناصر هویت ساز صهیونیسم معاصر معرفی گردیده به گونه ای که در افکار عمومی جامعه ما، این دو پدیده غیر قابل تفکیک از یکدیگر و گاهی تحت یک عنوان بکار برده می شوند. این حتی در حالیکه که می باید از رویه تکرار سخنان و نقلی های گذشته یا رافراتر نهیم، و به عنوان گام اول در تحلیل و درک صهیونیسم این فرضیه را

و قرآن کریم در تحلیل صهیونیسم بهره برد. همانطور که ملاحظه می‌گردد، باید پیش از هر گونه ادعایی در زمینه فهم صهیونیسم، به این

دسته از انشکالات پاسخ دهیم و تصور مفروض خود را در وجود ارتباط هویتی میان این دو پدیده به تأیید علمی برسانیم. آنگاه در مرحله بعد، یعنی زمانی که صرف وجود این ارتباط مشخص شد، باید تلاش کنیم نوع، کیفیت و میزان این ارتباط هویتی را نیز درک نماییم، در واقع در این مرحله

است که مشخص می‌گردد آیا دین یهود، ریشه و هویت ساز پدیده صهیونیسم است؟ آیا تاریخ یهود، مقدمه و گذشته لاینفک تاریخ صهیونیسم می‌باشند؟ یا اینکه پدیده صهیونیسم صرفاً، انگارهایی از یهودیت دارد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر نیستند.

برای تأیید این فرضیه و پاسخ به سؤالات فوق باید ابتدا به ادعاها و سخنان رهبران و اندیشمندان صهیونیسم اشاره کرد؛ سپس به تجزیه و تحلیل عناصر هویت ساز و اسطوره‌های بنیانگذار صهیونیسم پرداخته و در نهایت با برشمردن و شناسایی ویژگیهای صهیونیسم و یهود تشابه و تطابق صفات هویتی دو پدیده را نشان دهیم.

1. تعریف واژه‌ها الف- "صهیونیسم"

نهیضت ملی یهودی با الهامات مذهبی و سیاسی که هدف از آن بازگشت یهودیان به فلسطین

شواهدی را در تأیید مدعای خود مطرح می‌کنند که رد یا توجیه آنها برای استحکام فرضیه ما ضروری است.

اولاً، اکثر رهبران و پایه‌گران نهضت صهیونیسم، افراد ملحد و غیر متعهدی نسبت به دین یهود و یا هر دین دیگری بودند، پس چگونه ممکن است که صهیونیسم معاصر بر اساس انگاره‌های دینی یهود بنا شود و صیغه‌ای دینی داشته باشد؟

ثانیاً از همان آغاز شکل‌گیری صهیونیسم تاکنون، یهودیان بسیاری در تعارض و ضدیت با صهیونیسم و کشور اسرائیل به پا خاسته‌اند و فعالیت کرده‌اند و در مقابل نیز وجود صهیونیستهای مسیحی نشان می‌دهد که صرفاً عنصر یهودیت نمی‌تواند شکل دهنده صهیونیسم باشد. لذا در این دیدگاه، استفاده از سیر و رویه تاریخ بنی اسرائیل، تاریخ یهود در صدر اسلام، یهود در قرآن و فهم ویژگیهای هویتی آنان نمی‌تواند به معنای شناخت پدیده صهیونیسم معاصر باشد، چرا که دلیلی منطقی و علمی در اثبات تطابق هویتی این دو پدیده نیاورده‌ایم. در واقع دلیلی وجود ندارد که تأیید کند، ویژگیهای قوم یهود در قرآن به صهیونیستهای کنونی قابل

اطلاق است، چرا که صفات قوم بنی اسرائیل مخصوص همان قوم و مقطع تاریخی بوده، خطاب قرآن نیز به یهود مدینه بوده و با توجه به قطع ارتباط نسلی میان قوم بنی اسرائیل و یهودیان امروزی، نمی‌توان از تاریخ بنی اسرائیل

که یهودیان را نژاد اصیل و قوم برتر می دانستند و معتقد بودند که خداوند بنی اسرائیل را بر سایر اقوام برتری داده و حاکمیت بر کره زمین را به آنان واگذار نموده است. صهیونیست‌های سیاسی با این نگرش نژادی و برتری طلبی‌های قومی، سرزمین فلسطین را ارض موعود قلمداد کردند و خواستار شکل‌گیری ملت یهود و ایجاد دولت بنی اسرائیل در ارض موعود شدند.^(۱)

ب- پروتکل‌های دانشوران صهیون

پروتکل‌ها، برنامه‌ای است که سرمایه‌داران و اقتصاددانان یهود در اوایل قرن ۲۰م، برای ویران کردن بنای مسیحیت، قلمرو پاپ و دست‌آخر اسلام، آن را تنظیم کرده‌اند. یهودیان صهیونیست معتقدند که بعد از ویرانی که به گفته اصحاب پروتکل‌ها طی صد سال، عملی می‌شود، آن‌ها بر جهان استیلا خواهند یافت و سلطنتی یهودی- داوودی برقرار خواهند کرد که با نژاد و امکانات خود به یهودیان، با آن‌که اقلیت ناچیز هستند، امکان خواهد داد تا بر تمام جهان مستبدانه حکومت کنند و هیچ دینی، نه مسیحیت و نه اسلام، در کنار آئین یهودی-تلمودی باقی نخواهد ماند و تمدن فعلی نیز به کلی نابود خواهد شد. این پروتکل‌ها شامل ۲۴ بند هستند و ارتباط تنگاتنگ هویتی با تلمود دارند، یکی از ابزارهای اصلی تحقق این اهداف تشکیلات فراماسونری است.^(۲)

است که از نظر یهودیان سرزمین خودشان (اسرائیل) تلقی شده و می‌خواهند در آن سرزمین، یک کانون یهودیت ایجاد کنند. اگرچه واژه صهیونیسم فقط از اواخر قرن نوزدهم ظاهر شده اما مفهوم بازگشت به صهیون، از زمان انتقال یهودیان به بین‌النهرین پس از دست رفتن استقلال امپراطوری‌های عبری بنی اسرائیل (در ۷۲۱ ق.م) و یهودا (در ۵۸۷ ق.م) ایجاد شده است. در طول قرون، کشمکش‌های یهودیان تبعیدی با رومی‌های مسلط بر فلسطین، و سپس اخراج یهودیان از اسپانیا و پرتغال (از قرن ۱۶م) و گشتار یهودیان در اروپای شرقی (قرن ۱۸م) سبب تداوم اندیشه بازگشت به صهیون‌نزد یهودیان تحت فشار در خارج از اسرائیل گشت و جمعیت‌ها و سازمان‌هایی ایجاد کردند. اما صهیونیسم سیاسی به وسیله L.Pinsker در کتاب "ژهایی، ندای یک یهودی به برادرانش" (۱۸۲۲م) بنیان‌گذاری شد، و در اولین کنگره صهیونیسم جهانی در شهر بال سوئیس در اوت ۱۸۹۷م موجودیت خود را اعلام نمود و هدف خود را برقراری یک کانون برای قوم یهود در فلسطین ذکر کرد^(۱)

پس از رنسانس و در قرون هفدهم و هجدهم به مرور زمان صهیونیسم سیاسی متولد شد و به اشاعه نگرش‌های نژادپرستانه مبتنی بر برتری و رجحان قوم یهود بر سایر اقوام مبادرت کرد. این تبلیغات سبب شد که در اواخر قرن نوزدهم واژه "صهیونیست" به کسانی اطلاق شود

و توسط نخبگان یهودی به عنوان جریان سیاسی-مذهبی برای بازگشت به سرزمین موعود قلمداد شد. از آن پس به افرادی که مطابق اسطوره‌ها و هویت دینی خود اعتقاد به بازگشت قوم یهود به فلسطین و تشکیل دولت یهودی داشتند، "صهیونیست" گفته شد. لذا اگر چه صهیونیسم در ابتدا به خدا اعتقادی نداشت و حرکت غیر دینی بود و طرفداران آن، بر این باور بودند که تبعید قوم یهود، نه حاصل گناه آنان بلکه نتیجه شمار اندک یهودیان می‌باشد، اما

بعدها پذیرفتند با استفاده از تعالیم دینی و روش‌های سیاسی، ملت یهود را باید در مکانی خاص گرد آورد. در نتیجه صهیونیسم را می‌توان "تفسیر سیاسی تورات" برشمرد^(۷)

"یهودی کسی است که به پیامبری حضرت موسی (ع) و کتاب تورات اعتقاد دارد. این چنین شخصی از نظر اسلام "اهل کتاب" است. اما صهیونیست، یهودینی است که متعصبانه معتقد به برتری قوم یهود است و بازگشت به ارض موعود اورشلیم را حق و وظیفه خود می‌داند و طبعاً و لزوماً در آرزوی حکومت جهانی یهود بسر می‌برد و در این از هیچ کاری دریغ ندارد"^(۸)

بنابراین یهودیت آئینی رسمی و آسمانی است که به نبوت حضرت موسی (ع) قائل هستند و کتاب تورات را به صورت کتاب آسمانی می‌پذیرند. قائلان به آئین یهود می‌دانستند که رسمیت این دین تا آمدن پیامبر بعدی از جانب خداوند متعال است. در هر صورت پیروان این

تشکیلات مخفی فراماسونری که از اواخر قرن ۱۷م و اوایل قرن ۱۸م در اروپا آغاز به فعالیت نمود، اشاره کنیم. فراماسونری، حزبی است مخفی که فقط برای از بین بردن ادیان، اخلاق و دولت‌ها (جاسوسی) از جانب یهود تأسیس شده است. الحاد و شرک به خداوند یکی از مفاخر این حزب است. و از دشمنان اصلی و حقیقی ادیان هستند^(۹). برخی ادله ارتباط اصولی یهود و صهیونیسم با فراماسونری^(۱۰)

۱- سرودهای رسمی، ماسون‌ها از تورات است ۲- در جلسات اثرهای فراماسونری تورات خوانده می‌شود ۳- استفاده از علامات صهیونیسم مانند ستاره شش پر داوودی در آرام فراماسونری ۴- اثرهای فراماسونری خود را به مثابه نمونه کوچک معبد سلیمان می‌دانند ۵- استفاده از مظاهر معبد سلیمان در اثرها و تشکیلات ۶- در یکی از کنفرانسهای فراماسونری چنین بیان می‌شود که: "رموز و اشارات ما به لغت مصری فرعونیی است که توسط بنی اسرائیل به ما ارتش رسیده است."^(۹)

۲- تفاوت یهودی و صهیونیست

صهیون نام کوهی در اطراف بیت المقدس است که قرن‌ها محل عبادت زاهدان و دنیاگرایان یهودی بوده و اصولاً صهیونیست یا "عشاق صهیون" به چنین افراد عابد و زاهدی گفته می‌شد. اما در قرن ۱۹ این مفهوم تغییر معنایافت

دین پایبند اصول و مقرراتی بودند که در تورات بیان شده بود. هر چند انحرافات اساسی در طول تاریخ این دین به عمل آمد و بعضی فرصت طلبان جهت بهره برداری شخصی و دنیایی از آن، تعریف‌هایی در آن پدید آوردند، باز کسانی از طرفداران این دین یافت می‌شوند که با بسیاری از این تحریف‌ها مخالف و جویای حقیقتند. اما ریشه صهیونیسم بیش‌تر از ملی‌گرایی و استعمارگرایی اروپای قرن نوزدهم برخاسته است.

صهیونیست، شامل یهودیان نژادپرست است که بر اساس آموزه‌های تلمود و انحرافات تورات عمل می‌کنند. ویژگی این یهودی که به دنبال بازگشت به ارض موعد فلسطین و حاکمیت بر جهان و به خدمت خود درآوردن تمام اقوام و ملل دیگر است، همان صفاتی است که قرآن بیان می‌کند. چه این یهودی در زمان کنونی زندگی کند و چه در قرن‌های گذشته زندگی کرده است.

صهیونیست‌های مسیحی، معتقدند که اگر اسرائیل بزرگ و امن تشکیل شود، بیت المقدس نابود و معبد سلیمان مجدد بنا شود، مطابق آموزه‌های عهد قدیم، حضرت عیسی (ع) ظهور می‌کند. این مسیحیان که به دنبال زمینه‌سازی ظهور یا بازگشت حضرت عیسی (ع) هستند هدف مشترک خود را با یهودیان صهیونیست دیده‌اند. اما یقیناً به دنبال تحقق پروتکل‌های دانشوران صهیون، برتری یهود و حاکمیت آن بر جهان و عملی شدن آموزه‌های تلمود نیستند. آن‌ها با کمک به صهیونیست‌ها می‌خواهند

دین پایبند اصول و مقرراتی بودند که در تورات بیان شده بود. هر چند انحرافات اساسی در طول تاریخ این دین به عمل آمد و بعضی فرصت طلبان جهت بهره برداری شخصی و دنیایی از آن، تعریف‌هایی در آن پدید آوردند، باز کسانی از طرفداران این دین یافت می‌شوند که با بسیاری از این تحریف‌ها مخالف و جویای حقیقتند. اما ریشه صهیونیسم بیش‌تر از ملی‌گرایی و استعمارگرایی اروپای قرن نوزدهم برخاسته است.

صهیونیست، شامل یهودیان نژادپرست است که بر اساس آموزه‌های تلمود و انحرافات تورات عمل می‌کنند. ویژگی این یهودی که به دنبال بازگشت به ارض موعد فلسطین و حاکمیت بر جهان و به خدمت خود درآوردن تمام اقوام و ملل دیگر است، همان صفاتی است که قرآن بیان می‌کند. چه این یهودی در زمان کنونی زندگی کند و چه در قرن‌های گذشته زندگی کرده است.

صهیونیست‌های مسیحی، معتقدند که اگر اسرائیل بزرگ و امن تشکیل شود، بیت المقدس نابود و معبد سلیمان مجدد بنا شود، مطابق آموزه‌های عهد قدیم، حضرت عیسی (ع) ظهور می‌کند. این مسیحیان که به دنبال زمینه‌سازی ظهور یا بازگشت حضرت عیسی (ع) هستند هدف مشترک خود را با یهودیان صهیونیست دیده‌اند. اما یقیناً به دنبال تحقق پروتکل‌های دانشوران صهیون، برتری یهود و حاکمیت آن بر جهان و عملی شدن آموزه‌های تلمود نیستند. آن‌ها با کمک به صهیونیست‌ها می‌خواهند

تاریخ یهود و در قرن های گذشته بیابیم. «سامری»، یهودیان بنی قریظه، سعداللدوله وزیر یهودی مغولان، دیزرائیلی نخست وزیر انگلستان، روچیلدها، راکفلرها، کعب الاجار، اشعث کندی و... از زمره این افراد پیش از تولد صهیونیسم اصطلاحی بوده اند.^(۱۱) به عنوان مثال در سال ۱۱۷م یک یهودی به نام بارکوخیا در زمان امپراطوری روم بنی اسرائیل را برای تاسیس دولتی یهودی در فلسطین جمع نمود و شورش کرد که توسط امپراطور سرکوب شد و شکست خورد.^(۱۲)

صهیونیسم در ماهیت امر، حرکتی است در سراسر تاریخ یهود. هر یهودی که قوم و خون و نژاد خود را برتر می دانسته و برای بازگشت به اورشلیم همه گونه می کوشیده و آرزوی حکومت جهانی داشته، یک صهیونیست بوده است. این گونه کسان در همیشه تاریخ از همان قماش بوده اند که یهودیان صهیونیست امروز هستند. همین ها هستند که بدون کمترین اعتقاد به دین و خدا و معاد و پیامبر و وحی به مطامع خود رنگ دینی زده و از احساسات مذهبی یهودیان سوء استفاده کرده اند و همه کوشش آنها این است که توده یهود را به مطامع و اغراض خویش بیالایند.

لذا از آن جا که یهودیان از همان ابتدا به دنبال اهداف خاص خویش بودند، می کوشیدند آن چه را در این جهت است، به شیوه های گوناگون به دست آورند، بنابراین از هیچ عمل

زمینه ظهور حضرت عیسی (ع) فراهم شود و مسیحیت را بر جهان حاکم کند.^(۹) طبیعی است که این نخله، تحت شمول صفات یهود در قرآن نمی شوند.

در واقع، آن یهودی که در قرآن مثالش آورده شده، نمونه کاملش همین صهیونیست های یهودی هستند.^(۱۰) کثرت یهودیانی که گرایش صهیونیستی در جهان امروز دارند موجب شده که غیر صهیونیست بودن یک یهودی نیاز به اثبات دارد. لذا اصل بر این است که هر یهودی گرایش صهیونیستی دارد و در بردارنده صفات منفی مندرج در قرآن است، مگر این که خلاف آن در عمل ثابت شود. اما به هر حال تا عمل و رفتار رذیله ای از یک فر یهودی سر نزند، مستوجب عقاب و برخورد نیست و صرفاً باید در مقابل آن محتاط بود.

۳- تبار شناسی تاریخی صهیونیسم

در نگاه برخی اندیشمندان و صاحب نظران در این زمینه، می توان با زاویه دید دیگری به مقوله صهیونیسم و ارتباط آن با یهود نگریست. مطابق این دیدگاه، اگر نام «صهیونیسم» را کنار گذاشته و به محتوا و ماهیت آن دقت کنیم، پدیده صهیونیسم را مقوله ای جدیدالتأسیس و مربوط به قرن ۱۹ و ۲۰ نمی دانیم. بلکه می توان اندیشه

صهیونیسم را به معنای «نژادپرستی»، ثروت و دنیاپرستی، «دشمنی با اسلام»، «حاکمیت جهانی یهود»، «بازگشت به ارض موعود» و... در طول

اجتناب ناپذیر.

اما آن چه که در کنگره جهانی یهود در سال ۱۸۹۷ به تصویب رسید عبارت بود از: هدف صهیونیسم تاسیس یک میهن برای ملت یهود در فلسطین با حمایت دولت های غربی است. وسعت خاک کشور اسرائیل بایستی گنجایش و ظرفیت پذیرفتن ۱۵ میلیون یهودی از اطراف عالم را داشته باشد. برای دست یابی به این هدف، خطی مشی های ذیل انتخاب شدند:

۱- گسترش روند اسکان یهودیان سراسر جهان در فلسطین بر اساس چارچوب های مناسب ۲- سازماندهی تمام یهودیان و متحد ساختن آنان از طریق تشکله‌ها و کانون های منطقه ای و جهانی مطابق قوانین هر کشور ۳- تقویت احساسات

۴- اهداف صهیونیسم

ملی یهودیان در سراسر جهان و تالیق انگیزه های قومی-تزادی با آموزش های دینی و مکتبی منطبق بر تورات ۴- برداشتن گام های تمهیدی و مقدماتی به منظور جلب موافقت حکومت های قدرتمند غربی ۵- استحصال مشروعیت برای

ایجاد وطن و تشکیل دولت یهودی در فلسطین از طریق دولت های غربی ۶- ایجاد آسبات و شریکتهای تجاری و مالی با سرمایه های کافی برای خرید اراضی متعلق به مردم فلسطین... (۱۶)

البته اهداف صهیونیسم به همین موارد

خلاصه نمی شود، بلکه این جریان برای رسیدن به حکومت جهانی یهود و تسلط بر اقوام دیگر و ثروت های زمین برنامه های مخفیانه ای طراحی نمودند که به پروتکل های دانشوران صهیون

ناشیستی در جهت رسیدن به اهداف خویش فروگذار نمی کردند. به همین سبب از صدر اسلام، مطرود جوامع اسلامی، حتی غیر اسلامی بودند و در مسیر تاریخی خویش اغلب قومی سرخورده، آواره و سرگردان شمرده می شدند.

این سرخوردگی و حقارت، در یهود

عقده ای ایجاد کرده بود که برای بیشتر آنان ناگوار بود تا این که پس از تلاش های بعضی از سرمداران آن ها و انحرافشان از مسیر اصلی خویش، این عقده باز شد و به تدریج، آثار شوم آن تمام مسلمانان را در بر گرفت و آن غده سرطانی اسرائیل بود که بر اساس افکار صهیونیستی پایه گذاری شد (۱۷).

مطابق آن چه که در کنگره های جهانی یهود، اهداف جمعیت عشاق صهیون و پروتکل های دانشوران صهیون آمده است، می توان اهداف نهضت صهیونیسم را دریافت.

"جمعیت عشاق صهیون" که توسط "پینکسر" در سال ۱۸۸۴م اعلام موجودیت کرد، اهداف ذیل را دنبال می نمود:

الف- احیاء زبان عبری ب- دعوت از یهودیان برای مهاجرت به ارض موعود (فلسطین) ج-

برنامه ریزی برای تملک و خرید اراضی در فلسطین د- تأکید بر لزوم تشکیل ملت، وطن و دولت یهود به عنوان تنها راه حل بر طرف ساختن تمام مشکلات یهودیان به مثابه ضرورتی

موریس کونوپینکی^{۱۶} صهیونیست نیز

می گوید: امروز هنوز بخش اعظم ملت اسرائیل از مذهب دوری می جویند^{۱۷} و نیز وائیرمن^{۱۸} از رهبران صهیونیست اروپای غربی، انتقاداتی می کند که

سه برداشت متقن از آن استفاده می شود: الف- صهیونیسم، صرفاً نگاهی ابرازی به مذهب دارد

ب- سران این جریان از گسترش عقاید مذهبی میان یهودیان هراسانند و ج- اکثریت یهودیان نسبت به دین، مبدأ و معاد بی اعتقاد هستند^(۱۵).

دکتر اسرائیل شهاک^{۱۹} یهودی در سال ۱۹۷۳م این گونه بیان می کند: "به نظر من چنین می رسد که اکثریت ملتم خدا را ترک گفته اند و بتی را جایگزین آن ساخته اند، درست همان طور که در صحرا از گوساله زرین طلایی طرفداری کردند. گوساله ای که طلاهای خود را برای ساختنش دادند. نام این بت جدید، اسرائیل است"^(۱۶). باید توجه داشت که تورات تحریف شده ای که صهیونیست ها به آن معتقدند، هیچ اثری از معاد در آن نیست و آن را مسکوت گذاشته است^(۱۷). ضمن آن که در همین تورات نسبت های کفرآمیزی به خداوند متعال داده شده است که طبیعتاً صهیونیست ها بدان ها معتقدند^(۱۸). به عنوان مثال در مورد استعمار این صفت "ابایان" صهیونیست اعتراف می کند که: "هیچ وقت عقاید مذهبی خالص و منزه در بین بنی اسرائیل وجود نداشته است... بت پرستی در

۵- صفات مشابه دو پدیده یهود و صهیونیسم

در این بخش با استفاده از دیدگاه قرآن کریم در مورد قوم یهود، تاریخ بنی اسرائیل و صفات کنونی صهیونیسم تشابه این دو پدیده را نشان می دهیم. البته شایان ذکر است که ما در اطلاق صفات ذیل به پدیده صهیونیسم، در مقام ادعای انحصاری و یا حداکثری بودن این صفات در پدیده مذکور نیستیم. لذا با توجه به مصادیقی که در ادامه خواهد آمد، تاریخ شکل گیری جریان صهیونیسم از ابتدا تا کنون، خط مشی ها، رفتارها و سیاست های این جنبش، حماقل وجود این صفات در صهیونیسم تأیید می شود؛ برای فهم بهتر صفات آنها را به چهار دسته ذیل تقسیم نموده ایم:

دسته اول: صفات عقیدتی و ایمانی

۱- "کفر و بی ایمانی"^{۱۹}
مطابق آن چه که به طور مستند در فصل گذشته بیان شده، رهبران و بنیان گذاران صهیونیسم، به طور معمول، ملحد بوده اند و اعتقادی به خدا و جهان آخرت نداشته اند. وزیر بیان شد که اکثر یهودیان مهاجر یا به طمع مال و ثروت، رفاه و امنیت و یا با تهدید و اجبار به اسرائیل آمده اند و انگیزه دینی و الهی کم تر داشته اند. از سوی دیگر درصد مذهبیون در اسرائیل و احزاب مذهبی این

شکند؛ از عمل خویش پشیمان می شود؛
 آندوهگین و گریه می کند؛^{۲۷} «دروغ می گوید»
 «بن مردم تفرقه می اندازد» و «با انسان کشتی می
 گیرد»^(۲۸)

از شواهد دیگر کفر و بت پرستی قوم بنی
 اسرائیل در تاریخ، رویه اعتقادی و رفتاری ایشان
 پس از وفات حضرت یوسف (ع) می باشد. قوم
 بنی اسرائیل در این مدت با قطعی ها مصر که بت
 پرست بودند آمیزش کردند تا آن که کم کم از
 دین اجداد خود دست کشیدند. حضرت
 یوسف (ع) هنگام وفات به ۸۰ نفر از سران قوم
 خود به عنوان پیش بینی آینده چنین
 فرمودند: «پس از من به علت انحراف از دین
 گرفتار زجر و شکنجه فراعنه مصر خواهید
 شد...»^(۲۹)

پس از نجات بنی اسرائیل از مصر، نیز این
 رویه ادامه یافت. حضرت موسی (ع) در هر منزل
 از آبادیها، مقداری دورتر فرود می آمد. و رفت و
 آمد بنی اسرائیل را تحت نظر می گرفت و کنترل
 می کرد و صریحاً می فرمود: کسی حق ندارد با
 بت پرستان پیش از احتیاجات ضروری تماس
 بگیرد، و معاشرت با آنها ممنوع بود. در عین
 حال عهد عتیق یکی از منازل را به نام «تطمیم اسم
 برده» و از روش زشت بنی اسرائیل چنین حکایت
 می کند: «اسرائیل در «تطمیم اقامت نمودند و قوم
 با دختران (مواب) زنا کردند زیرا که ایشان قوم را
 به قربانیهای خدایان خود دعوت نمودند، پس
 قوم می خوردند و به خدایان ایشان سجده

میان بنی اسرائیل و پرستش خدای بعل معروف و
 مشهور است.»^(۳۰) این صفت در قرآن کریم در ۲۷
 آیه در شان قوم یهود آمده است که از جمله آنها
 می توان به آیات ۱۶ سوره بقره، ۷۰ و ۹۸ آل عمران
 اشاره کرد. در تاریخ بنی اسرائیل نیز این صفت
 سابقه ای طولانی و مشخص دارد. از داستان بنی
 اسرائیل چنین بر می آید که مردمی مادی و حسی
 بوده اند و در زندگی هیچوقت از مسئله اصالت
 حس تجاوز نمی کرده و اعتنایی به ماورای حس
 نداشته اند و اگر هم داشته اند، از باب تشریفات
 بوده و اصالت حقیقی نداشته. یهودیها با داشتن
 چنین عقایدی سالهای دراز تحت اسارت قبطی
 ها بودند که رسمشان بت پرستی بود و در عین
 اینکه عصیت ایلی و خانوادگی مجبورشان می
 کرده که دین آباء و اجدادی خود را تا اندازه ای
 حفظ کنند، باری تحت تأثیر بت پرستی آنان نیز
 بودند و این تقریباً یک طبیعی برایشان شده و
 خلاصه در ارواحشان اثر عمیقی باقی گذاشته
 بود. به همین جهت بیشترشان خدای متعالی را
 جز جسمی از اجسام تصور نمی کردند، بلکه به
 طوری که از ظاهر توراتهای موجود امروز برمی
 آید، او را جوهر الوهی می پنداشتند که از نظر
 شکل شبیه انسان است.^(۳۱)

خدایان در کتاب مقدس یهودیان،
 خصوصیات عجیبی دارد که همه کفرآمیز
 هستند. «دارای گیسو و لباس دویا»^{۳۲}، «زاه می رود»^{۳۳}
 «مکانی برای سکونت و زندگی دارد»^{۳۴} نسبت به
 بسیاری از امور بی اطلاع است،^{۳۵} «یمان می

۲- تحریف گری

این صفت نیز از صفات روشن و آشکاری است که به طور مداوم در تاریخ یهود و صهیونیسم مشاهده می شود از جمله اسطوره های جعلی، تفسیرهای خطا از کتب مقدس توجه به برخی

می نمودند و اسرائیل به (بعل فغور) ملحق شدند و غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شد... و بر اثر غضب خداوند، (میکروب و با) برایشان مسلط شد و آنانکه از وبا مردند، بیست و چهار هزار نفر بودند. (۳۳۷)

آیات و بی اعتنائی به آیات دیگر تورات، تحریف تاریخ و... شواهدی است که این صفت را در میان صهیونیست ها نشان می دهد. در این زمینه "پل فیندلی" کتابی به نام "تربیب های عمدی" نوشته که توسط محمد حسین آهویی ترجمه شده است و مضامین این کتاب شاهد بزرگ و روشنی از تناووم صفت "تحریف" در صهیونیسم است. (۳۶) به عنوان مثال، این ادعای تاریخی که یهودیان از نژاد خالص و واحدی هستند و نیز اولین ساکنان فلسطین که حق حاکمیت بر آن دارند یهودیان می باشند، و در مورد تحریف تورات هم ادعای این که، سرزمین های نیل تا فرات از سوی خداوند به بنی اسرائیل وعده داده شده، در حالی که این سرزمین ها در تورات به حضرت ابراهیم (ع) وعده داده شد. (۳۷) تلاش صهیونیسم برای تحریف قرآن کریم یکی دیگر از مصادیق این صفت است، این صفت در مورد قوم یهود در ۹ آیه قرآن آمده است، مانند ۵۹ بقره، ۷۸ آل عمران و ۱۶۲ اعراف اشاره کنیم.

۳- تهمت و افترا بستن به خداوند و پیامبران

ضمن آن که عقاید صهیونیسم وقتی برگرفته از تورات باشد، طبیعی است که افتراهایی که در تورات به خدا و پیامبران بنی اسرائیل بسته شده،

ویل دورانت" در خصوص یهودیان می گوید: "یهودها در آغاز پیدایش در صحنه تاریخ بیابان گردانی بودند که از اجنه هوا می ترسیدند و سنگ و چهارپایانی از قبیل گوساله را می پرستیدند و حضرت موسی (ع) چنانکه می دانیم تنوانست عادت گوساله پرستی را به تمامی از میان قوم خود ریشه کن کند، زیرا عادت تقدیس مصریان نسبت به گاو هنوز از یادها نرفته بود، در تاریخ قوم یهود، دلایل فراوانی است که از گاوپرستی آن قوم حکایت می کند (۳۸)

در تأیید استمرار بت پرستی و کفر بنی اسرائیل در تاریخ باید اشاره کرد که، یهودیان قدیم، بیت المقدس را از صورت واقعی خود خارج کرده و آنجا را بتخانه فرض کردند، حتی مسجد و عبادتگاه را بازداشتگاه فرستادگان الهی قرار داده و حضرت ارمیا (ع) بار در آنجا زندانی و حضرت زکریا (ع) برادر میان مسجد الاقصی و سنگباران نمودند، از این رو عزت و آبرویی که بنی اسرائیل در عصر حضرت سلیمان (ع) داشتند به ازرائی از دست دادند. لذا یهودیان امروز، عظمتی را که نیاکان آنها با نافرمانی و گناه از دست داده بودند، چگونه طلب می کنند؟ (۳۵)

شود که قوم یهود معنای نبوت را نفهمیده و پیامبران خود را خوب نشناخته‌اند، ضمن آن که با اتهام و افتراهایی که به پروردگار نیز نسبت می‌دهند، توحید را نیز درک ننموده‌اند و ثانیاً با نسبت دادن اینگونه اعمال زشت به بزرگان، رهبران و فرستادگان خدا، به نوعی اعمال ناشایست و فسادکاری خود را توجیه نموده‌اند و پیامبران را در حد انسان‌های معمولی که مانند دیگران گناهان کبیره مرتکب می‌شوند، پایین آورده‌اند...

۴- تکذیب پیامبران

رویه صهیونیست‌ها مبنی بر توجه به آیاتی از تورات که به سود ایشان است و عدم اعتنا به آیات دیگر که این قوم را از کردار زشت نهی کرده و سرزنش می‌کنند، موجب شده تا برخی از پیامبران بنی اسرائیل را تکذیب کنند و حتی آن‌ها را "ضد یهود" بخوانند و از کاهنانی که برخی از این پیامبران را اسیر یا به قتل رساندند، با تعبیر "مختهمان پیامبرکش" تعریف و تمجید نمایند. به عنوان مثال حضرت ارمیا، اشعیا، هوشع، عاموس و میکاه(ع) در زمره این پیامبران به شمار می‌آیند. (۳۰) حضرت ارمیا(ع)، کاهنان بنی اسرائیل را نفرین می‌کند: "به نام من، برای شما پیامبری می‌کنند... و گناه آنان ارتکاب به بی‌شرمی‌ها در اسرائیل است." (کتاب ارمیا، باب ۲۹) و نیز حضرت میکاه(ع) رؤسای بنی اسرائیل را محکوم می‌کند و در کتاب میکاه، باب سوم می‌فرماید: "پس گوش کنید، ای

در عقاید این نخله نیز استمرار می‌یابد، شواهدی مانند اسطوره "قوم برگزیده" و اسطوره "وعده" در واقع تهمت زدن و دروغ بستن به خداوند محسوب می‌شود. مسائلی نیز مانند اسطوره "پاک‌سازی قومی" که قساوت قلب و دستور قتل عام را به حضرت یوشع و حضرت موسی(ع) نسبت می‌دهند نیز افتراهایی است که صهیونیسم به پیامبران بنی اسرائیل بسته است. "آبا ابان" صهیونیست در کتاب "قوم من" به حضرت سلیمان(ع) تهمت مستبد بودن زده و حکومت وی را یک حکومت استبدادی و دیکتاتوری معرفی می‌کند. (۳۱) این صفت یهود در ۹ آیه از قرآن در مورد یهود آمده است مانند ۱۷۸ آل عمران و ۵۰ نساء. در زمینه ی تهمت زدن به پیامبران، مثال‌هایی را از سیر تاریخی و تورات تحریف شده ذکر می‌کنیم. مواردی مانند: تهمت شرک و بت پرستی به حضرت هارون(ع)، تهمت مطرب و زناکار بودن حضرت داود(ع)، تهمت تمرد و عصیان حضرت سلیمان(ع) از دستورات الهی، بت پرستی و ازدواج با بت پرستان، تهمت زنا با محارم به حضرت لوط(ع)، تهمت کشتی گرفتن با خداوند و گرفتن پیامبری به زور از خداوند به حضرت یعقوب(ع)، فرزند خدا دانستن "عزرای کاهن" و "عزیر پیامبر"، ازدواج با زن زنازاده به حضرت هوشع(ع)، زنازاده بودن حضرت یفتاح(ع) و شرب خمر و دروغ‌گویی حضرت نوح(ع)... (۳۲) تحلیل اینگونه تهمت‌ها را می‌توان اینگونه بیان نمود که اولاً مشخص می‌

۵- ادعای اولیاء الهی

اسطوره‌سازی صهیونیسم در اسطوره‌های قوم برگزیده^{۳۰} و "وعده" نشانگر اعتقاد و رویه صهیونیسم در معرفی قوم یهود به عنوان نزدیکان و مقربان خداوند است به نحوی که ذکر آن خواهد آمد، حتی خدا را نیز فقط خدای یهود می‌دانند و نه خدای سایر ملل (۳۳). در توضیح اسطوره‌های قوم برگزیده و وعده نیز چون شرح آن‌ها به تفصیل در فصل آینده ذکر خواهد شد، تطبیق آن‌ها با ادعای اولیاء الهی را به همان توضیحات ارجاع می‌دهیم. به عنوان مثال آنگونه که در تلمود آمده و صهیونیست‌ها به آن معتقدند: روح یهودها از روح دیگران افضل است زیرا ارواح یهود جزء خداوند است، همان‌گونه که فرزند جزء پدر می‌باشد. روح‌های یهود نزد خدا عزیزتر است، زیرا ارواح دیگران شیطانی و مانند ارواح حیوانات است. و "بهشت مخصوص یهود است و جهنم جایگاه مسلمانان و مسیحیان است."^(۳۴) این صفت یهود در ۹ آیه از قرآن مانند ۱۱۱ بقره و ۱۸ مائده آمده است.

۴- تمدد عصیان و طغیان در مقابل دستورات الهی

خط مشی صهیونیسم، در زمینه اقتصادی که بر اساس "باخواری استوار است و دستورات الهی مبنی بر اجتناب از کشتن بی گناهان، پرهیز از فساد و افساد و عدم تضییع اموال دیگران که در قرآن کریم و تورات نیز آمده‌اند، با توجه به تمدد صهیونیست‌ها از این دستورات و بسیاری از

روئسای خاندان یعقوب، ای قضات و حکام

بنی اسرائیل، شما که از انصاف نفرت دارید و هر نوع راستی را منحرف می‌سازید و صهیون را در خون و بیت المقدس را در جنایت بنا می‌کنید...^{۳۱} لذا چنین پیامبرانی از منظر صهیونیست‌ها، "یهودستیز" هستند. زیرا آنان به دنبال سیاست‌های کشتارهای یوشع علیه کنعانیان هستند و ارمیا و میکاه را که چنین سیاست‌هایی را لعنت می‌کنند، توجیهی نکرده و طبق تلمود، مجتهدانی را که این پیامبران را کشته‌اند، تمجید می‌نمایند. (۳۵) این صفت درباره قوم یهود در ۸ آیه قرآن مانند ۱۴۶ اعراف و ۷۰ مائده آمده است. از مصادیق تاریخی صفت آزار و اذیت پیامبر می‌توان به نوع برخورد قوم یهود با حضرت موسی (ع) پس از عبور از رود نیل و رسیدن به صحرای سینا اشاره کرد که به حضرت گفتند: "ما را از خانه‌های خود بیرون آورده ای و در این صحرای شن زار سکونت دادی؟ مگر ما سنگ هستم، مگر ما احتیاج به آب و غذا نداریم؟"^{۳۲} و نیز به نقل از عهد عتیق، سفر خروج، باب ۱۶؛ صفحه ۱۰۸ آمده: "و تمامی جماعت بنی اسرائیل در آن صحرا بر موسی و هارون شکایت کردند و بنی اسرائیل گفتند کاش که در مصر به دست خداوند مرده بودیم و نزدیک هم می‌نشستیم و نان را سیر می‌خوردیم زیرا ما را بلدین صحرا بیرون آوردید تا تمامی این جماعت را به گرسنگی بکشید..."^(۳۳)

نمودار است. همانطور که می‌دانید معجزه هر پیامبری به تناسب شرایط همان محیط و اوضاع اجتماعی دوران خود بوده است. لذا جنس معجزه هر پیامبر به گونه‌ای بوده که تحسین و شگفتی همه مردم آن دوران را برانگیزد و صجز بشر را در مقابل قدرت الهی نشان دهد. به عنوان

۷- گرایش به سحر و جادو

بشر را در مقابل قدرت الهی نشان دهد. به عنوان مثال حضرت عیسی (ع) با شفای کور مادر زاد و مریضهای لاعلاج به نوعی صجز حرفه‌ی پزشکی و طبابت آن دوران را نشان می‌دهد. طبابتی که در زمان زندگی حضرت عیسی (ع) بسیار رواج داشته و مدعیان زیادی داشت. در زمان پیامبر (ص) نیز که فن خطابه و کلام و شعر بسیار مهم شده بود، معجزه قرآن به تناسب آن دوران نازل شد. لذا در دوران حضرت موسی (ع) نیز حرفه سحر و جادوگری بسیار توسعه پیدا کرده و بازار سحر و ساحری رونق داشت و مشاهده می‌کنیم که معجزه حضرت موسی (ع) نیز از جنس سحر و ساحری بود. از سوی دیگر در اتهاماتی که همین قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی (ع) و هارون (ع) وارد کرده‌اند، همین اتهام ساحر بودن است. در طول تاریخ قوم یهود نیز می‌بینیم که یهودیان به جای آنکه پیرو و مطیع پیامبران الهی باشند، بیشتر از کاهنان ساحر خود پیروی می‌کردند. به خصوص پس از وفات حضرت سلیمان (ع) که در آیه مذکور نیز آمده است، بازار سحر و ساحری یک بار دیگر در این قوم رونق گرفته بود. قبل دوران‌ت در کتاب تاریخ تمدن خود در این زمینه چنین می‌گوید:

دستورات این چنین، همه شواهدی مبنی بر تداوم این عصبان و طغیان در این جنبش هستند. این صفت در ۳۰ آیه از قرآن مانند ۱۹ بقره آمده است.

ویل دورانت درباره استمرار این تمایل چنین می‌گوید: «معتقدات سحری که در آداب پرستش قدیم وجود داشت با وجود جلوگیری انبیاء تا زمان متأخر در میان یهود برقرار ماند...» (۳۵۲) این صفت به طور مستخص در دوران قرون وسطی در اروپا متعلق به یهودیان بود، به طوری که بسیاری از یهودیان را به دلیل همین جرم، از سوی کلیسا به آتش کشیدند و جادوگری به دلیل آن که حرفه یهودیان محسوب می‌شد و دشمنی یهود و مسیحیت در این دوران در اوج خود بود، یک جرم اجتماعی با مجازات اعدام به شمار می‌آمد (۳۶).

از سوی دیگر تسلط یهود بر صنعت سینما، به ویژه سینمای هالیوود، و ساختن فیلم‌های تخیلی، جادوگری و استفاده از جلوه‌های ویژه را به عنوان تداوم این گرایش یهود اما در عرصه سینما دانست. بدین معنا که حرفه جادوگری و یا تمایل خود به این حرفه را با ساختن جلوه‌های ویژه سینمایی و فیلم‌هایی با مضامین سحر و جادو، استمرار بخشیده‌اند (۳۷). این صفت یهود در آیه ۱۰۲ بقره و شان نزول سوره‌های ناس و فلق آمده است. علاقه و تمایل قوم یهود به سحر و جادوگری در طول تاریخ این قوم بارز و

تلمود^{۲۱۱} کتاب مقدس یهودیان، پس از تورات، که در واقع رساله عملیه آنان محسوب می‌شود و مبنای بسیاری از اعتقادات و سیاست‌های صهیونیسم است، می‌باشد که تمامی آن را احبار و کاهنان یهود از تفسیر تورات نوشته‌اند و بهره‌ای از وحی ندارد. مطابق تلمود، یهودیان، دیگران را مانند حیوان در خدمت یهود محسوب می‌کنند، به طوری که در آن آمده که بر یهود جایز نیست که بر غیر یهود شفقت و مهربانی کنند.^(۲۱۱)

در سفر تثبیه، از کتاب تورات، نیز این چنین می‌خوانیم: تو دخترت را به پسر آن‌ها نخواهی داد و دختر آن‌ها را برای پسر ت نخواهی گرفت.^(۲۱۲)

لذا بر اساس این دستورالعمل‌های دینی، صهیونیست‌ها، سیاسی تژادپرستانه در پیش گرفته و دولتی تژادپرست را به وجود آورده‌اند. نحوه نگاه صهیونیست‌ها به اعراب، به عنوان شخصیت حاشیه‌ای و بی‌هویت است که اگر هدف یک یهودی گرفتن جای یک عرب باشد، عرب باید بار سفر ببندد و به کلی از نگاه‌ها دور شود. شهرک‌نشینان صهیونیست با خشونت

با عرب‌ها رفتار می‌کنند و به آن‌ها به چشم "وحشیان بیابان‌گرد" می‌نگرند، به عنوان "ملای" همانند خران که بینایی ندارند و چیزی را که پیرامونشان می‌گذرد درک نمی‌کنند.^(۲۱۳) اسرائیل شاهاک^{۲۱۴} از جمله یهودیان منتقد نسبت به صهیونیسم در کتاب تژادپرستی دولت اسرائیل^{۲۱۵}

"معتقدات سحر و ساحری که در آداب پرستش قدیم وجود داشت با وجود جلوگیری انبیا، تا زمان متأخر در میان یهود برقرار ماند، حتی موسی و هارون را ساحری می‌دانستند.^(۳۷۸) پس از وفات حضرت سلیمان(ع) شخصی کاهن به نام "یربعام" با "غیبگویی و سحر و جادو در اجتماع نفوذی به دست آورد و خود را به جای پیامبران الهی معرفی کرد و این عمل بسیاری از کاهنان ساحر بود.^(۳۸۹)

این مسئله تا زمان پیامبر(ص) نیز ادامه داشت که در واقع شان نزول سوره‌های ناس و فلق در قرآن، تلاش دو جادوگر یهودی برای طلسم نمودن پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان و آسیب رساندن به آنها ذکر کرده‌اند.

"ولتر نویسنده فرانسوی می‌گوید: "یهود کسانی بودند که معمولاً مردم برای انجام کارهای سحر و جادوگری به آنها مراجعه می‌نمودند و منشأ این توهم قدیمی و کهنه، همان اسرار "کابالا" می‌باشد که یهودیان می‌پنداشتند تنها ایشان بر این اسرار واقفند و در واقع ایده توسل به شیاطین برای سحر از یهود است.^(۴۰۶)

دسته دوم: صفات اجتماعی

۱- "تژادپرستی"

از جمله مهم‌ترین صفاتی که به صورت آشکار در صهیونیسم و اسرائیل وجود دارد و شاهدهای مهم بر ارتباط هویتی این جنبش با یهود تاریخی محسوب می‌گردد، مسئله تژادپرستی آنان است.

را تبدیل به کشور اول تجارت زنان و فساد کرده است.^(۳۸) صهیونیست‌های اسرائیل، از همان ابتدا، شروع به توزیع و ارسال دختران یهودی به مراکز فساد جهان در اروپا و آمریکا، بارها، کافه‌ها، کلوپ‌ها و باشگاه‌های شبانه کردند و این کار را تحت تسلط جمعیت‌های سازمان‌یافته یهود صورت می‌دهند. حتی یهودیان، اداره خانه‌های فساد در هریک از کشورهای اروپا و آمریکایی را به عهده گرفتند. لانا فست و فچورنزد یهود صمیق و ریشه دار است و بارگ و بی آنان در هم آمیخته است. آنان در اجرای گناهان و شهوات هیچ شرم و حیایی را احساس نمی‌کنند^(۳۹). جان فاستر فریزر در کتاب یهودی فاتح می‌نویسد در آمریکا تجارت و پسیکی فقط در اختیار یهود است چرا که ۸۰٪ از اعضای اصلی، بازرگانان شراب، یهودی هستند. تجارت انواع سیگار نیز تنها به دست یهود صورت می‌پذیرد.^(۴۰) مطابق پروتکل اول دانشوران صهیون که در آن آمده است: ما غیر یهود را با شراب و عیاشی غافل نگاه می‌داریم.^(۴۱) این صفت درباره قوم یهود در ۴ آیه از جمله ۲۵ رعد و ۴ اسراء آمده است.

۳- قساوت قلب و جنایت کاری

این صفت در صهیونیست‌ها با توجه به عملکرد آنان در فلسطین اشغالی و اساس بودن اسطوره پاک‌سازی قومی و روحیه نژادپرستی قنادوم دارد.

بحث مسووطی را در این گرایش صهیونیست‌ها آورده است. وی در بخشی از این کتاب این‌گونه بیان می‌کند: دولت اسرائیل به تمام معنا نژادپرست است، زیرا در آن جا تبعیض نژادی در همه زوایای زندگی و میان همه افراد ملت به چشم می‌خورد. این تبعیض در مورد هر فرد غیر یهودی به صرف این که یهودی نیست اعمال می‌شود^(۴۲) در پروتکل دوم دانشوران صهیون^(۴۵) چنین آمده است: هر قربانی مادر برابر خداوند با هزار قربانی غیر یهودی برابری می‌کند. (یعنی هر یهودی ارزشی معادل هزار غیر یهودی دارد) در تلمود نیز آمده است: همان‌گونه که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، یهود نیز بر ملت‌های دیگر فضیلت دارد.^(۴۶) این صفت قوم یهود در آیه ۷۵ آل عمران آمده است.

۲- "رواج فساد در زمین"

عیاشی و شهوت‌رانی یهود به زمان پیامبر (ص) محدود نمی‌شود بلکه در طول تاریخ، آنان متصف به این رذیله اخلاقی بوده و هستند، چنان‌چه فساد و فحشاء در اسرائیل از مرحله پست حیوانی نیز تجاوز کرده است، تا جایی که نقل شده: در اسرائیل فساد اخلاقی به حد اعلی رسیده به طوری که دیگر برای "ازدواج و طلاق" مفهومی باقی نمانده است. روزنامه (هاعولام) ضمن تحقیقی نوشته بود: "زنان در اسرائیل به هیچ وجه ممنوع نیست و حتی قانون هم نمی‌تواند از آن جلوگیری کند.^(۴۷)

روز ۹ آوریل ۱۹۴۸م، مناسخیم بگیریم، از

اعضاء و جوارح کودکان را در برابر چشمان پدران آنها قطعه قطعه کردند و مردان بی سلاح را به قتل رساندند و اعضای آنها را از بدن جدا ساختند.^(۵۷)

در پروتکل اول دانشوران صهیون آمده است که: "حاکمیت بر جهان جز با زور و خشونت میسر نیست."^(۵۸) این صفت در آیه قرآن در شان قوم یهود آمده است مانند ۱۳ مانده و ۷۴ بقره. مطابق تفاسیر، صفت "قسی القلبی" از صفات پیوسته قوم یهود است که در طول تاریخ مصداق بسیار زیادی دارد و این مسئله حتی به نوعی عذابی الهی است که به دلیل اعمال قوم یهود بر آنها نازل شده است. از جمله این مصداق می توان به موارد ذیل اشاره کرد: گوستاولویون فرانسوی می گوید اگر بنا باشد صفات یهود را در جمله ای خاص بیان کنیم باید بگوئیم: "یهودها همچون انسانهایی هستند که تازه از جنگل وارد شهر شده و همیشه از صفات انسانی بی بهره بوده اند چرا که همیشه مانند پست ترین مردم روی زمین زندگی می کنند... بنی اسرائیل همیشه مردمی وحشی، خوریز و بی غیرت بوده اند..."

همچنین "کاسیوس" در حوادث سال ۱۱۷ میلادی می نویسد: "مطابق همین تاریخ، یهود در غرب دریای طرابلس برای کشتن رومی ها و یونانیها به رهبری اندریا خروج کرده، همه را به قتل رساندند و خونهایشان را آشامیدند، گشتهایشان را خوردند، سپس سرها و استخوان

رهبران اسرائیل، ۲۵۴ سکنه "دیر یاسین" را قتل عام کرد.^(۵۹) کشتارهای "خان یونیه" و "بنی سهیلا"، قضایی زنان، کودکان و مردان سالخورده در شب ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ "صبرا و شتیلا" قتل عام روستای "کفر قاسم" و بمباران غیر نظامیان در بیروت از موارد بارز این جنایت کاری است.^(۶۰) کشتارهای قبیه، تخریب صور و صیبا، مواردی است که فقط نام آن ها را در این جا ذکر کرده ایم و اگر شرح وقایع این قتل عام ها مطالعه شود، در وجود این روحیه صهیونیست ها تردید نخواهیم کرد.^(۶۱) به عنوان مثال هنگامی که جنگ مسلمانان و اسرائیل در سال ۱۹۶۷م به اتمام رسید، و اسرائیلیان بر بیت المقدس پیروز شدند، به روستایی که در نزدیکی شهر قرار داشت حمله کردند، مردم بی دفاع و بی گناه نیز از ترس کشته شدن به مسجد پناه بردند ولی برای صهیونیست ها مسجد و غیر مسجد تفاوتی نداشت و با هلیکوپتر به آنها تیراندازی کرده و به خاک و خون کشیدند.^(۶۲)

از سوی دیگر اشغال فلسطین مواجه بود با اخراج مردم آن سرزمین که بیش از یک میلیون فلسطینی آواره شدند و هزاران نفر از آنان در اثر نداشتن تغذیه مناسب نابود شدند.^(۶۳)

صهیونیست ها در روستای "دیر یاسین" ۲۵ زن حامله را جمع کرده و آن ها را در صف واحدی قرار دادند، سپس به سوی آنها تیراندازی کردند و شکم های آنان را با چاقو و ساطور درینند و نیمی از جنین ها را خارج کردند، و

در پروتکل اول دانشوران صهیون آمده است که: «دوران حاکمیت دیانت سیری شده و زمان حکومت پول و سرمایه فرا رسیده است.»^(۹۱) و نیز در پروتکل دوم: «به کمک مطبوعات، طلا در دست ما انباشته می شود.»^(۹۲) «دل بستگی به دنیا در بسیاری از یهودیان به اندازه‌ای بوده که جهت رسیدن به آن، اقدام به هر عمل نادرست و جنایتی کرده‌اند. در تاریخ صدر اسلام نیز، با وجود آن که پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می‌شناختند اما به دلیل آنکه منافع اقتصادی خود را در معرض خطر می‌دیدند، وی را انکار کردند. یهود هدف اساسی خود را دست‌یابی به زیررهای دنیوی انتخاب کرده و چون مطلوب نهایی او همان دنیا است جهت رسیدن به آن تمام ارزشهای والای انسانی را زیر پا می‌گذارند و عامل تفرقه و تفاق در میان سایر انسانها می‌شود تا بدین طریق آنها به خود مشغول شده به جان هم بیفتند و یهود به چپاولگری خود ادامه دهد. سیاست یهودیان از ابتدا چنین بوده است که هر چیزی که مانع از دسترسی به امور دنیوی شود باید از مسیر راه خود برچیند، به هر نحوی که باشد، هرچند از راه توصل به وحشیانه‌ترین ابزارها جهت سوق دادن انسانها به سوی فساد و فحشاء، یا ایجاد تفرقه و تفاق میان آنها و یا در صورت لزوم کشتار جمعی آنها بوده باشد. این دنیا دوستی و مال پرستی یهود اکنون نیز ادامه دارد.»^(۹۳) یکی از دلایل اصلی دنیابریستی یهود، عدم اعتقاد آن‌ها به جهان آخرت است، که در

دسته سوم: صفات اقتصادی

۱- دنیا و ثروت پرستی

تسلط برخی از ثروتمندان صهیونیست بر شرکت‌های چند ملیتی، بازار نفت، اسلحه و مواد مخدر، صهیونیست بودن سرمایه‌داران بزرگ آمریکا که در سیاست‌گذاری این کشور نیز نفوذ دارند و وجود خانواده‌های ثروتمندی مانند روچیلد، راکفلر، زوربیخ و... که به طور شگفت‌انگیزی بر تحولات جهان موثر بوده و هستند، همه شواهدی بر حس دنیاگرایی و مال‌پرستی صهیونیست‌هاست.

خاخام ریچران^۴ در سخنرانی خود به سال ۱۸۶۹م در شهر «برایغ» نزد «سیمون بن یهوذا» ایراد کرده بود گفت: «اینک ملت یهود گامهای بزرگی به سوی قله جهان برداشته و هر روز که می‌گذرد بر قدرت و توانایی و نفوذ ما افزوده می‌شود. ما خداوند این زمان یعنی «طلا» را مالک هستیم، همان خداوندی که توسط هارون به صورت گوساله‌ای درآمد و ما آن را پرستش کردیم، اکنون به صورت خداوند تمام مردم جهان درآمد است. زمانی که طلاهای جهان را به دست خود بینیم به وعده‌های آبراهام جامه عمل پرشاند و بر جهان تسلط کاملی یافت.»^(۹۴)

مادی و صوری، چیز دیگری سرشان نمی‌شده، امتی بوده‌اند که جز در برابر لذات و کمالات مادی تسلیم نمی‌شدند و به هیچ حقیقت از حقایق ماورای حس ایمان نمی‌آورند، همچنان که امروز هم همین طورند.^۳

۳- رباخواری

همان‌طور که از مطالب گذشته روشن شد این حرفه و صفت و ویژگی دانی و اصلی یهودیان و صهیونیست‌ها بوده و هست. نظام سرمایه‌داری و بانک‌داری مدرن که بر اساس رباخواری استوار است، از زمره سیستم‌هایی هستند که توسط یهود تأسیس شده‌اند.^(۶۷) طراحان و پایه‌گذاران صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که از مراکز اصلی رباخواری هستند، یهودیان هستند.^(۶۸) مانند خانواده روچیلد‌ها که در قرن ۱۹ در اروپا و آمریکا پراکنده بودند و نظام اقتصادی جهانی را بر پایه ربا بنیان نهادند.^(۶۹) در پروتکل چهارم دانشوران صهیون آمده است که: ثروت ملت‌های غیریهود توسط معاملات ربوی به خزانه ما می‌آید.^(۷۰) و نیز در تلمود آمده است: "بُردن اموال دیگران به وسیله ربا مانعی ندارد زیرا خداوند شما را به ربا گرفتن از غیر یهودی امر می‌فرماید."^(۷۱) این صفت قوم یهود در آیه ۱۶۱ نساء آمده است.

دسته چهارم: صفات سیاسی

۱- جنگ افروزی

انفعال کشور فلسطین، جنگ‌های متعدد اسرائیل

نتیجه آن تمام آرزوها و اهداف آن‌ها را در حوزه همین دنیای مادی محدود کرده است. عاموس نبی در کتاب خود، باب دوم، آیه ۹، می‌گوید: "اسرائیل و یهود باید به محاکمه کشیده شوند، چون عدالت را به نقره فروختند" دوری از معتقدات الهی و مذهبی و سرپیچی از دستورات

دینی و گرایش مفرد به دنیا، بت‌پرستی، زیرپرستی و طلادوستی و تداوم این انحرافات در میان یهود تا امروز، نکته اساسی و قابل توجهی است که رهبران و نویسندگان یهود نیز قادر به کتمان آن نبوده‌اند.^(۶۴) روحیه مادی و مال‌اندوزی صهیونیست‌ها و رباخواری و نفع‌پرستی و تجارت‌پیشگی آن‌ها همیشه در طول تاریخ بارزترین خصیصه این قوم بود و در همه شرایط گوناگون آن را حفظ کرده‌اند.^(۶۵) "جرجی زیبان" در کتاب "تمدن اسلام و عرب" نیز یهودیان را مردمی پیرل‌پرست معرفی می‌کند.^(۶۶) این صفت در ۴ آیه از قرآن در مورد یهود آمده است مانند ۸۶، بقره و ۵۳ نساء.

۲- "مادی‌گرایی"

ارتباط عمیق یهودیان و صهیونیست‌ها با تشکیلات "فراماسونری" که شرح آن در کلیات آمده، نه تنها میران‌علاقه این قوم به مادی‌گرایی را نشان می‌دهد بلکه تلاش آن‌ها را برای دور کردن انسان‌ها از معنویات و ترویج مادی‌گرایی

مستخص می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۱۵، می‌فرماید: "مردم یهود، قومی فرورفته در مادیات بوده‌اند و جز لذایذ

اسرائیل بوده، در مقابل تحریک آمریکا برای ورود به جنگ، این صفت در آیه ۶۴ مانده در مورد قوم یهود آمده است. از مصادیق تاریخی نیز می توان به جنگ افروزی قوم بنی اسرائیل میان کلدانیها و مصریها در بین سالهای ۶۱۴ ق.م تا ۵۶۲ ق.م اشاره نمود.^(۷۸)

۲- پیمان شکنی

نخوه نگرش و برخورد اسرائیل با قراردادهای متعددی که در جریان صلح خاورمیانه و از زمان تأسیس این کشور تا کنون با پیمان های بین المللی داشته است، بیان گر عدم تعهد این کشور به این قراردادهاست. بیش از ۶۶ قطعنامه از سوی شورای امنیت در انتقاد و محکومیت دولت اسرائیل صادر شده که این کشور هیچ اعتنایی به آن ها ننموده است.^(۷۹)

تقاضی قراردادهایی مانند قرارداد مادرید (۱۹۹۱ م)، قرارداد اسلو و توافق نامه غزه-اریحا (۱۹۹۳ م)، قرارداد طابا (۱۹۹۵ م) توافق نامه صلح مریند (۱۹۹۸ م)، قرارداد "وای ریور"^۲ یا شرم الشیخ^۲ (۱۹۹۹ م)، قرارداد کمپ دیوید (۲۰۰۰ م) و... همگی نشانه های عدم تعهد و پایبندی اسرائیل و صهیونیست ها بر پیمان هاست.^(۸۰) این صفت در مورد قوم یهود در ۱۰ آیه از قرآن مانند ۸۳ بقره و ۱۵۴ نساء آمده است در کتاب شریف نهج البلاغه در پاسخ به تقاضای بیعت "مروان حکم" می فرماید: "مرا به بیعت او نیازی نیست! دست او دست یهودی است، اگر با دست خود بیعت کند، در نهان بیعت

با اعراب، جنگ اسرائیل با لبنان و سوریه و حتی بائیان و عاملان برانگیختن جنگ های جهانی اول و دوم و نیز کسانی که از این جنگ ها بیش ترین منفعت ها را نصیب خود کردند صهیونیست ها بودند.^(۸۱) آمار تجاوزات اسرائیل از زمان تأسیس این دولت تاکنون به شرح ذیل است.^(۸۲)

تجاوز به سوریه: ۲۱۸۸ بار - تجاوز به لبنان: ۱۹۳۶ بار - تجاوز به اردن: ۱۴۹۰۳ بار و در پروتکل هفتم دانشوران صهیون آمده است: "در آسیا و اروپا باید جنگ، فتنه و آشوب به پا نمود."^(۸۳) در این جا به جمالات "رژز لاملن" در کتاب اسرار سازمان مخفی یهود اشاره می کنیم: تمام مشکلات سیاسی و مالی دنیا و بالاخره موجدیات وقوع جنگ ها را یهودیان فراهم نموده اند.^(۸۴) و "جهان در خطر غم انگیز جنگی است که اولاد اسرائیل برای از بین بردن افراد بشر طرح نموده اند." حتی شواهدی در دست هست که نشان می دهند، اعراب در جنگ اکبر ۱۹۷۳، بیش تر به دنبال حل و فصل مسالمت آمیز بودند که اسرائیل غافلگیرانه دست به بمباران هواییهای اعراب در آتشیانه هایشان در پایگاه های مصر زد.^(۸۵) "یرالد کی سمیت" در کتاب "قضایانای الامم المتحدة" می گوید: بدون شک تنها کسی که توانست آمریکا را وارد جنگ کند "صهیونیسم" بود.^(۸۶) و این به دلیل معامله یهودیان با انگلیس برای حمایت از تشکیل

رامی شکند...^(۸۱)
۳- تروریسم

یهودیان را که ظاهراً به اسلام گرویند ولی در باطن به کفر خود باقی ماندند، ذکر کرده اند و پذیرفتن اسلام آنان برای تجسس و تفحص بر احوال و اخبار مسلمانان بود و کسب اطلاعات از نقشه های پیامبر که نسبت به یهود و مشرکین انجام می داد. به این جهت برای استراق سمع و کسب خیر، نزد مسلمانان می رفتند و در قالب مسلمانان سست عقیده، تولید شک و تردید می کردند... خداوند برای نقش بر آب کردن توطئه های آنان دستور داد مسلمین نباید به یهود اطمینان داشته باشند و حق تماس گرفتن با آنها را ندارند.^(۸۲)

و در نهایت ارتباط صهیونیسم با تشکیلات فراماسونری، مهم ترین ابزار جاسوسی را به سود صهیونیسم فراهم کرد. در پروتکل دوم دانشوران صهیون آمده است: «ما باید افرادی از سراسر دنیا به عنوان جاسوس تربیت کنیم.»^(۸۳) این صفت در مورد یهود در ۴ آیه از جمله ۲۸ آل عمران و ۵۱ مائده آمده است.

۵- موضوعی خصمانه نسبت به دین اسلام و مسلمانان

کینه یهود از صدر اسلام تاکنون به شکل های مختلف ظاهر شده است. گاهی در قالب توهین به مقدسات، تفرقه افکنی میان مسلمین و گاهی به وجود آوردن شاخه های دینی مانند «هائیت» و «بهایت» جهت نابودی دینی اسلام، جنگ افزوری و... بوده است^(۸۴). یکی از ابزارهای مهم این دشمنی، همان تشکیلات

تروریسم دولتی اسرائیل با فعالیت گروه تروریستی «ایرگون» و جایت هایی که به صورت تروریستی با قتل عام مردم بی دفاع اتفاق افتاده بر کسی پوشیده نیست. ترور رهبران حماس (دکتر فتحی شقفاقی، رنتیسی، شیخ احمد یاسین و...)، فعالان حزب الله لبنان و... از جمله شواهد تروریست بودن صهیونیست هاست^(۸۵). به عنوان مثال قتل عام «دیر یاسین» در سال ۱۹۴۸م لز جمله فعالیت های گروه تروریستی «ایرگون» و دسته انشترن بوده است^(۸۶). در پروتکل هفدهم دانشوران صهیون آمده است: «برای کاستن شوکت و عظمت رؤسای غیریهود، مدتی یک مرتبه، یکی از شخصیت های برجسته آنها را ترور می کنیم.»^(۸۶) این صفت یهود در شان نزول آیات ۲ الی ۴ حشر آمده است.

۴- جاسوسی
 تصدی مکان های فساد و گسپ دختران فاسد توسط صهیونیست ها در اغلب موارد جهت کسب اطلاعات و جاسوسی صورت می گیرد.

صهیونیسم همواره در نقاط مختلف جهان به ترویج و توسعه جاسوسی مبادرت می ورزد^(۸۷). به عنوان مثال، شراهدی مبنی بر نصب دستگاه های جاسوسی توسط اسرائیل در سفارت خانه ها بلغارستان برای شنود مکالمات آن ها در کشورهای مختلف به دست آمده است^(۸۶). تاریخ نویسان، اسامی گروهی از

دانشوران صهیون (که شرح آن در ادامه خواهد آمد) استخراج می شود و تلاش آن ها برای سیطره بر رسانه ها، منابع اقتصادی و سیاسی جهان، طرح اسرائیل بزرگ و در نهایت تشکیلات فراماسونری، همگی بیانگر استعلاء و استکبار یهود و صهیونیسم در جهان می باشند^(۹۱). در پروتکل اول دانشوران صهیون هدف نهایی صهیونیسم را حاکمیت بر جهان می دانند.^(۹۲) این صفت درباره قوم یهود در ۵ آیه قرآن مانند ۱۴۶ اعراف و ۴ الی ۷ اسراء آمده است.

۷- مبارزه با دین، حقیقت و معنویت
مبارزه و توطئه چینی یهود در طول تاریخ، به ویژه در قالب فراماسونری و در زمان اخیر، بیرو پروتکل های صهیون علیه دین خدا و تحقق راه حق، بر کسی پوشیده نیست. در واقع با نابودی و اضمحلال ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت است که دین یهود خواهد توانست به نیات خود دست یابد. لذا در این راه از رواج فساد و تباهی، مواد مخدر، مشروبات الکلی و... ابایی ندارد تا نور ایمان و معرفت دینی را در نسل های جدید مسلمین کم رنگ کند. به عنوان مثال در کنفرانس ماسونی سال ۱۹۲۳م چنین اظهار شده است که: "حزب ماسونی نباید به یک یا دو دولت اکتفا نماید بلکه تمام دولت های جهان را باید تحت سیطره خود درآورد و برای رسیدن به این هدف ابتدا باید دین و علمای دین را که یگانه دشمن ما هستند نابود کنیم" همچنین در مجلات خود در

فراماسونری می باشد. رسانه ها، سینما، آگهی های تبلیغاتی و مطبوعات از دیگر وسایلی است که صهیونیسم برای تبلیغ علیه اسلام به کار می برد^(۹۳). این صفت در آیات زیادی از جمله ۸۲ مائده در مورد یهود آمده است.
یکی از دلایل این دشمنی در عمق خواسته و هدف غایی دین اسلام و یهود است. چه آن که هر دو دین، تنها مکاتب ایدئولوژی یکی هستند که هدف نهایی آن ها تشکیل حکومت جهانی است. یهودیان وعده الهی را سروری و تسلط دین یهود بر دنیا می دانند و مسلمین نیز با اندیشه موعود و آیات قرآنی، دین اسلام را دین آخر الزمان و جهانی معرفی می کنند. لذا مهم ترین مانع بر سر راه نقشه سیطره جهانی یهود، دین اسلام محسوب می شود. چرا که فرهنگ جهاد و شهادت از عواملی هستند که در سایر مکاتب دینی و ایدئولوژیکی غیر از اسلام کم تر یافت می شوند. درون این صفت، ویژگی هایی مانند: حسادت، سوء نیت، بغض و کینه، طعنه و تمسخر، فتنه انگیزی، توطئه چینی و دشمنی نسبت به مسلمین و دین اسلام روشن می گردد. به عنوان مثال هنگامی که "موشه دایان" وارد بیت المقدس می شد فریاد می زد: اکنون یهود انتقام خیبر را از مسلمانان گرفت.^(۹۴)

۹- علو در زمین
آن چه که صهیونیست ها در قالب اسطوره های خود پیگیری می کنند (قوم برگزیده و وعده)، آنچه که در اهداف آنها از لابلای پروتکل های

خود را طرفدار حقوق بشر، حتی بانوی و مؤسس آن می‌دانند.^(۹۷) این صفت در ۳ آیه از قرآن در مورد قوم یهود آمده است مانند ۷۶ بقره و ۴۱ مائده. امام حسن عسکری (ع) در روایتی ذیل همین آیه می‌فرماید: «وقتی رسول خدا(ص) به وسیله معجزات عدیده، خودش را به یهود شناساند و تمام عذرهای آنان را با روشنی دلایش قطع نمود، به طوری که برای یهود هیچ راه تو جعھی نبود که از چنگ برهان او فرار کنند و هیچ راهی برای تلبیس و تحریف معجزات او وجود نداشت، لذا همه مقهور او بودند و مجبور شدند در برابر پیامبر(ص) چنین وانمود کنند که محمد(ص) ما ایمان آوردیم که تو رسول خدا و الهی او و مهدی از طرف او هستی و همانا علی(ع) برادر تو و وصی تو و ولی خدا و مردم است و از طرف دیگر وقتی وارد قوم یهود می‌شدند به آنها می‌گفتند: «همانا ما اظهار ایمان نزد او می‌کنیم، به خاطر اینکه بدین وسیله هر شری از جانب او بر خودمان را بهتر می‌توانیم دفع کنیم. علاوه بر این، ایمان ظاهری، ما را بیشتر کمک می‌کند که ریشه وجودی او و اصحاب او را بخنکانیم، چون وقتی که آنها اعتقاد داشتند، ما مؤمن به آنها هستیم، اسرار خود را به ما می‌گویند و ما را از اطلاع رسانی محروم نمی‌کنند و کتمان نمی‌نمایند، بدین صورت دشمنان آنها را می‌شناسیم، که وقتی نیاز به پشتیبانی ما داشتند در مواقعی که دچار اضطراب و ناامنی هستند و در زمانی که از مدافعه و مقابله با مسلمین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۰۴ م به ترتیب چنین آورده اند: «دین که یگانه دشمن بشریت است باید نابود شود.»^{۹۸} و «ماسونیسیم یگانه حزبی است که با ادیان و عقائد و مقدسات دینی به شدت مبارزه می‌کند.» فرامسوزی که متعلق به یهود و صهیونیسم است برای رسیدن به این هدف به رواج فحشاء می‌پردازد. در یکی از سخنرانیهای ماسونی در سال ۱۹۲۱ م آمده است: «طبیعت انسان میل زیادی به محرمانت و شهوات دارد و این وظیفه ماست که درجه حرارت شهوت را در جامعه بالا ببریم.»^(۹۹) در پروتکل چهارم دانشوران صهیون آمده است: «هرچه مردم از دین دور شده و به اصطلاح متمدن تر شوند به سود ما خواهد بود لذا ما باید آنها را به سوی مادیات سوق دهیم»^(۱۰۰) و در پروتکل اول چنین آمده: «در ناموس جهان حق با قویتر است و حق مفهومی بی اساس است»^(۱۰۱) این صفت قوم یهود در ۲ آیه از قرآن شامل ۸ صنف و ۳۲ توبه آمده است.

۸- تفاهت
یکی از خصایب رذیله‌ای که در یهود ریشه دواینده و سبب دوری شان از رحمت الهی است، صفت نفاق در این قوم است. یهود در هر مکانی که باشند، خودش را در ظاهر با همان ملت تطبیق می‌دهد و هماهنگ می‌سازد، اما در باطن به همان اهداف شوم خود ادامه می‌دهد. امروزه سردمداران یهود طراح بسیاری از بدبختی‌ها، فسادها، آلودگی‌های فکری و عقیدتی هستند که در پشت پرده صورت می‌گیرد ولی در ظاهر

نتیجه گرفت که پذیرش رهبری افرادی که ملاحظه بوده‌اند (هرتزل و...،) تحت حمایت و پوشش استیکار جهانی، آمریکا، بودن و اطاعت از سران

جایت کار دولت اسرائیل، شواهدی مبنی بر تداوم این صفت صهیونیسم است. این صفت یهود در ۳ آیه از قرآن مانند ۵۱ نساء و ۸۰ مائده آمده است.

۱۱- مظلوم‌نمایی

صهیونیسم، مدعی است که در طول تاریخ پس از تبعید از اورشلیم، دنا ما مورد آزار و اذیت، تحقیر و کشتار اقوام و ادیان دیگر بوده‌اند و این قوم، به خاطر خدا دچار رنج و محنت طولانی مدت بوده و اکنون حق آن‌هاست که دولت و سرزمینی برای خود داشته باشند تا بدون آزار دیگران زندگی کنند. اسطوره‌هایی مانند "هولوکاست" نیز از زمره این علائم است. لذا همین ادعای صهیونیسم برای ما جهت بحث راجع به تداوم این صفت میان یهود تاریخی و صهیونیسم کفایت می‌کند که این بلاها و آزارها آیا ناشی از مظلومیت بوده و یا ناشی از تداوم صفات منفی در طول تاریخ بوده است؟

۱۲- مکر و حيله

یکی از ابزارهای رسیدن به اهداف که در پروتکل‌های صهیون به وضوح بیان شده است، استفاده از مکر و حيله است. کتاب "قریب‌های صمدی" اثر "پل فیندلی" و ترجمه محمد حسین آهوتی، سرشار از مصادیق این مکر و حيله‌هاست. حتی خود یهودیانی مانند اسرائیل

مغذوند و از ماکمک خواستند، ما به آنها کمک خواهیم نمود و با این حال، مردم هرآن چه از معجزات و نشانه‌های پیامبر(ص)، را دیده‌بودند، همه را انکار می‌کنند. (۹۸)

۹- تفرقه افکنی

یکی از سیاست‌های اصولی و ریشه‌ای صهیونیست‌ها جهت رسیدن به مقاصد خویش، سعی در ایجاد تفرقه بین اقشار گوناگون مسلمانان در جهان اسلام است. به عنوان مثال روش تبلیغاتی صهیونیسم که اعراب را افراد عیاش، کثیف، شهوت‌ران و عقب‌مانده نشان می‌دهد به نوعی تفرقه افکنی میان مسلمانان عرب و غیرعرب است (۹۹). دخالت در روابط دولت‌های مسلمان با یکدیگر و حتی ایجاد تفرقه میان دولت‌های اروپایی که منجر به بروز جنگ‌های جهانی شد، شواهدی بر تداوم این صفت در یهود امروزی است (۱۰۰). در پروتکل پنجم دانشوران صهیون آمده است: "ما باید بذر دشمنی، کینه‌توزی و حسد را در میان غیر یهود بکاریم." (۱۰۱) این صفت قوم یهود در آیه ۱۰۰ آل عمران آمده است.

۱۰- عبید طاغوت و احبار خود بودن

یهودیان امروزی، نشان داده‌اند که تا چقدر تحت انقیاد و سلطه تفاسیر رهبران صهیونیست خود از تورات و سیاست‌گرایی‌های آنان هستند. قوم یهود، در حال حاضر، به تلمود که حاوی تفاسیر خاخام‌ها، احبار و کاهنان یهود است، اهمیت بیشتری نسبت به تورات می‌دهند. لذا می‌توان

بودن ایران برای امنیت جهانی، حامی تروریسم و ضد حقوق بشر بودن ایران و تروریست بودن حزب الله لبنان و حماس، می باشد. مطابق پروتکل دوم دانشجویان صهیونی: "ما باید اصول محکم جوامع را متزلزل کنیم"^(۱۱۵) این صفت یهودیان در ۴م آیه از قرآن مانند ۴۴ نساء و ۱۰۰ آل عمران آمده است.

۶- تشابه هویتی و تداوم اصول و اهداف
آن چه در این بخش می آید اعتراضات و ادعاهای سران و رهبران صهیونیسم، تحلیل های صاحب نظران یهودی و صهیونیست و نیز اندیشمندان مسلمان در این حوزه است. به عنوان مثال همان طوری که در بخش اسطوره نژاد خالص ذکر شد، ادعای نژادی صهیونیست ها مبتنی بر تداوم و یکسانی نژادی صهیونیست های کنونی و قوم بنی اسرائیل تاریخی، یک ادعای واهی و مردود است. اما برای تحلیل رفتاری و هویتی صهیونیسم و تشخیص ویژگی های آن، نیازی به واقعی بودن این ادعاها نیست، بلکه صرف اعتراف آن ها و تمایل این جریان برای قربت هویتی با یهود تاریخی، استمرار و تسری صفات مندرج در قرآن را معقول و روشن می سازد. برای نمونه به برخی شواهد اشاره می کنیم:

"تشکیلات صهیونیسم بین الملل از همان ابتدا براساس سازمان دهی و فعالیت صهیونیست ها در "جوامع یهودی" کشورهای

شاهاک و گروه خانجام های ضد صهیونیست؛ دکتر "برگر" و... معتقدند که سران صهیونیسم با مکر وحيله، یهودیان عوام را فریب داده و به سوی فلسطین کشانده اند و وعده های توخالی داده اند^(۱۱۶). به عنوان مثال "دیوید بن گوریون" از رهبران صهیونیست در سال ۱۹۱۵ در یک سخنرانی می گوید: "ما هرگز در نظر نداریم اعراب را کنار بزنیم، زمین هایشان را بگیریم و یا از مالکیت محروم کنیم. و این در حالی بود که از ۴۷۵ دهکده فلسطینی در سال ۱۹۴۹، ۳۸۵ دهکده به کالی ویران شده، و مردم آن آواره شدند^(۱۱۷) در پروتکل اول دانشجویان صهیون آمده است: "ما برای حکومت و اداره جهان از مکر و فریب استفاده می کنیم."^(۱۱۸) این صفت یهودیان در آیه ۵۴ آل عمران آمده است.

۱۳- شبهه افکنی و "شایعه پراکنی"
این دو صفت نیز ابزارهای تحقق اهداف صهیونیسم بوده است. از طریق تشکیلات فراماسونری و ایجاد شاخه های دینی مانند "وهایت" و "بهائیت" و تبلیغات رسانه ای به طور مداوم سعی در ایجاد شبهه در اذهان مسلمین داشته اند. مطابق پروتکل های صهیون، این قوم با شبهه افکنی و شایعه پراکنی از طریق رسانه های تحت سیطره خود بنیان های عقیدتی جوانان را نابود می کند و به وسیله شایعات، افکار عمومی را به سمت تحقق منافع خود سوق می دهند. مثالی مهم برای این شایعات، همین اتهام ارتکاب اعمال تروریستی در دنیا به مسلمانان، خطرناک

اساس اسطوره قوم برگزیده^{۱۰۸} را مطرح نموده اند.^{۱۰۸} در خط مشی‌ها و اهداف صهیونیسم تورات سالاری^{۱۰۹} کاملاً آشکار است. به طوری که صهیونیست‌ها در کشور اسرائیل، به ویژه بنیادگرایان این جریان، فعالیت شتابیده و مستمر برای عملی نمودن احکام باستانی تورات و آیین‌های سنتی توراتی که حتی دو یا سه هزار سال پیش مرسوم بوده‌اند، دارند^{۱۰۹}. در حقیقت، میان یهود - به عنوان یک دین - و صهیونیسم - به مثابه یک جنبش سیاسی - هیچ فرقی وجود ندارد^{۱۱۰}.

به طور کلی جغرافیایی که سران کشور اسرائیل برای این کشور مد نظر دارند و آن را مبنای جنگ افروزی‌ها و توسعه طلبی‌های سرزمینی خود قرار داده‌اند، جغرافیای توراتی است^{۱۱۱}. به عنوان مثال به نقل از اورشلیم پست، ۱۰ اوت ۱۹۷۷م، موشه دایان، از رهبران اسرائیل، می‌گوید: اگر کتاب مقدس به ما تعلق دارد و اگر خود را به عنوان امت این کتاب تلقی می‌کنیم، باید سرزمین‌های کتاب مقدس را نیز در تملک خویش داشته باشیم^{۱۱۲}.

مراجعه به متون توراتی برای توجیه تهاجمات و قتل‌عام‌ها، از اصول سیاست اسرائیل به شمار می‌آید. این ادعا که تورات خوراان اسرائیل بزرگ است، به عنوان سیاست توسعه طلبی اسرائیل و از تفسیر این کتاب مقدس ناشی شده است^{۱۱۳}.

مخالف شکل گرفت و از مجموع نمایندگان صهیونیست کنگره جهانی صهیونیسم تشکیل شد^{۱۰۶}. ضمن آن‌که سران، رهبران، اندیشمندان و موسسین جریان صهیونیسم، یهودی هستند، کنگره جهانی صهیونیسم اهداف سازمان صهیونیسم بین‌الملل را وحدت ملت یهود و مرکزیت حکومت اسرائیل در حیات یهود، جمع‌آوری ملت یهود در وطن تاریخی خود، تحکیم حکومت صهیونیستی و آموزش و گسترش صهیونیسم و زبان عبری^{۱۰۷} اعلام می‌کند^{۱۰۷}.

ادعای صهیونیسم جهانی از ابتدا بر این تئوری استوار بوده است که این پدیده جنبش صومعی برخاسته از میان یهودیان بوده است. بر پایه این فرضیه یهودیان امروز از نژاد سام بن نوح و ابناء ابراهیم و یعقوب و موسی و داود و سلیمان و اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل هستند. و از آنجا که این جماعت چندین قرن در سرزمین کنعان سکونت داشته‌اند صهیونیسم به عنوان یک حرکت یهودی از جنبه نژادی و تاریخی^{۱۰۸} و مذهبی^{۱۰۹} حقیقت دارد تا به هر شیوه و شرایطی سرزمین فلسطین را تصاحب کند و مرام یهود را تحقق بخشد. به عبارت دیگر رهبران صهیونیسم دانما تاکید می‌کنند که پیوندی ناگسستگی میان صهیونیسم و یهودیان امروز از یک سو و مذهب^{۱۱۰} و تاریخ^{۱۱۱} و سرزمین^{۱۱۲} و اسطوره‌ها و اسلاف چندین هزار سال قبل قوم بنی اسرائیل از سوی دیگر وجود دارد. لذا بر این

می داد و تو صیبه های جنگی می نمود، تمام مردم سرزمین فتح شده را اعم از جان دار و بی جان و زن و مرد و کودک، قتل عام کنند. (۱۱۶) در کتاب یوشع باب ششم آیه ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ آمده است: "شهرهای این اقوام که مولای تو خداوند به تو میراث داده است تنها مکانهایی هستند که نباید هیچ موجود زنده ای را در آنجا باقی بگذاری. در واقع تو خود را وقف عول و خلع حیثان- اموریان-کعبان-فرزیان-حویان و بیوسیان خواهی کرد. همچنانکه مولای تو خداوند ترا امر فرموده است." و آنگاه قوم صدا زدند و کرناها را نواختند هنگامیکه مردم آواز کرنا را شنیدند به آواز بلند فریاد زدند حصارهای شهر فرو ریخته است هرکس توانست به شهر اریحا آمد تا اینکه مرد و زن پیر و جوان حتی حیوانات را از دم شمشیر گذرانند شهر را به آتش کشیده طلا و نقره و تمامی اسباب و اثاثیه و ظروف قیمتی را به خزانه خانه خدا بردند. (۱۱۷)

"لذا مطابق این اسطوره، قوم یهود هر سرزمینی را فتح کند یا باید دستور قتل عام صادر کنند و یا ساکنان را از آن سرزمین بیرون کنند و این همان رویه یوشع جانشین حضرت موسی (ع) است. این عقیده منبایی برای اسطوره ملت بی سرزمین و سرزمین بی ملت بود که موجب شد سران صهیونیسم هیچ اهمیتی به ساکنان فلسطین در زمان مهاجرت و اشغال ندهند (۱۱۸)

حضرت موسی (ع) در فتوحات خود دستور از نامه ها، یادداشت ها و خاطرات به جا

شنند باید جست‌وجو کرد، سالی که آن‌ها در فراق فلسطین گریه و زاری کردند که "حائط مکی" (دیوار ندبه) شاهی است بر این گفتمار، دیواری که در بیت المقدس ناظر گریه و زاری‌های بسیاری از یهود بوده و آخرین آن گریه‌های شوقی بود که از نخست‌وزیر، علماء و سران یهود پس از شکست مسلمانان، نزد آن شنیده شد.^(۱۱۶)

"بن گوریون" نخست‌وزیر وقت اسرائیل

می‌گوید: "هیچ احتیاجی به ذکر نام اسرائیل در تاریخ نیست زیرا ما این دولت را از هزاران سال پیش در قلب‌های خود بنا کرده و نام اسرائیل را از دوران "یسوعا" بر این شهر نهاده‌ایم، در تاریخ نیز نام آن موجود است که همان شهرهای "یهودا" می‌باشد. وقتی ما از این شهر بسیار کوچک خارج شدیم آن را در اعماق قلب‌هایمان جای داده و تا اکنون نام هر یک از کوه‌ها، دره‌ها و خیابان‌های آن را در ذهن داریم."^(۱۱۷)

"صهیونیست‌های مذهبی، مسیحا باور یا گوش‌آموینوم" از جمله مهم‌ترین و فعال‌ترین جنبش‌ها و نحله‌های کشور اسرائیل هستند و به عنوان احزاب و گروه‌های رادیکال و دست راستی مطرحند. این جنبش در واقع به دنبال زمینه‌سازی ظهور منجی موعود (حضرت عیسی (ع)) می‌باشند. این جنبش مخالف سیاست‌زمن در برابر صلح در قبال اعراب و فرآیند صلح خاورمیانه هستند تا جایی که تروید اسحاق رابین "مبلغ و مجری این سیاست، از

مانده سربازان ارتش اسرائیل، آشکار است که آن‌ها در دوران خدمتشان در ارتش اسرائیل خود را شبیه جنگاوران حضرت داوود(ع) در تسخیر اورشلیم می‌دانستند. در واقع این افراد و سران اسرائیل به دنبال عظمت‌طلبی یهودیت، با بعد صهیونیستی کهن و بازگشت به عصر طلایی اسرائیل، سلطنت طولانی بیت داوود و دوره بازسازی هیکل دوم (مکابی، maccabees) هستند.^(۱۱۸)

در همین زمینه، رئیس مذهبی و ملی یهود، به نام "ابراهام اشیاک کوک" در یکی از جلسات نمایندگان یهود اسرائیل، در ضمن نطق خود گفته است: "جوانان ما در تمام جهان افتخارات ملی و نوبخ نظامی خود را نشان داده‌اند و اینک حاضرند که خونشان را در راه به دست آورند معبدشان ببریزند."^(۱۱۹)

خاخام "ریچران" در سخنرانی خود که سال ۱۸۶۹م در شهر "براخ" نزد "سیمون بن یهوذا" ایراد کرده بود گفت: "پدران ما هر سال کنفرانسی در این مکان تشکیل می‌دادند و اکنون وظیفه ما این است که ابتدای هر قرن کنفرانسی را تشکیل داده و برای به دست گرفتن قدرت جهانی برنامه‌ریزی کنیم. اکنون ۱۸ قرن از جنگ یهوذا برای قدرت جهانی که خداوند به ابراهام وعده داده است می‌گذرد..."^(۱۲۰)

از سوی دیگر یکی از دلایل و ریشه‌های شکل‌گیری اسرائیل را به حدود ۳۰۰۰ سال پیش یعنی دقیقا در سالی که یهود از فلسطین خارج

است، این است که می‌بایست گوساله‌ای سرخ^{۱۲۸} را پیدا کنند (با از لحاظ ژنتیکی به وجود آورند) تا به وسیله آن قوم بنی اسرائیل را تطهیر نمایند و

زمینه ظهور منجی موعود را فراهم سازند. (۱۲۹)

فعالیت‌های این گروه بود. تشویق و ترغیب سیاست شهرک‌سازی^{۱۲۹} از جمله اعتقادات این

گروه است (۱۲۹)

صهیونیست‌های گوش‌آموزیوم^{۱۳۰} معتقدند که

آن چه لازم است در این جا ذکر شود رفتار

تمام بحران‌ها، جنگ‌ها و انتفاضه فلسطین بر

اجتهادی و برداشت‌های گزینشی صهیونیسم از

علیه اسرائیل، امتحانات الهی هستند برای اثبات

منابع مقدس ایشان است. برخی پیامبران

صدقات و پایداری قوم یهود و برای میل به کمال

بنی اسرائیل، در همان دوران رفتارهای قوم یهود

و رستگاری آن‌ها، سیاست شهرک‌سازی را

را نااثنا نیست شمرده‌اند، آن‌ها را تفتیح نموده‌اند

زمینه‌سازی ظهور می‌دانند و جنگ یوم کیپور

و حتی مورد نفرین خود قرار داده‌اند. به عنوان

(۱۹۷۳م) میان اعراب و اسرائیل را عذاب الهی به

مثال حضرت میکاه^{۱۳۱}، از پیامبران بنی اسرائیل، در

دلیل عدم ادامه شهرک‌سازی برمی‌شمارند. این

باب سوم آیة‌های ۱۲-۱۹ می‌فرماید: بشنوید این

نحله، آخرین قدم فرزندان اسرائیل را در راه

را، ای روسای خاندان یعقوب، و ای

رستگاری و ظهور حضرت عیسی (ع)، تخریب

قانون‌گذاران خاندان اسرائیل، شما که از انصاف

بیت المقدس و بنای معبد سلیمان می‌دانند (۱۳۵).

نفرت دارید و تمام راستی را ناراست کرده‌اید،

این در حالی است که هیکل سلیمان درست در

در حالی که صهیون را در خون بنا کرده‌اید و

محل قبه الصخره^{۱۳۲} است و بازسازی آن مستلزم

بیت المقدس را در جنایت... به خاطر شما،

خرابی مسجد الاقصی^{۱۳۳} است.

صهیون، مثل یک مزرعه شخم زده زیرورو

گوش‌آموزیوم^{۱۳۴} هدف خود را چنین خلاصه

خواهد شد و بیت المقدس، بدل به تپه‌ای از آوار

می‌کند که قصد دارند تورات را به سطحی ارتقا

خواهد گشت. نکته قابل تأمل این جاست که

دهند که دیگر تنها یک شبه‌مذهبی به حساب نیاید

صهیونیست‌ها این قبیل پیامبران را "ضد یهود"

که در کتیسه‌ها، در آداب مذهبی و مطالعه به کار

معرفی کرده‌اند و به توصیه‌ها و سخنانشان اعتنا

می‌رود، بلکه برنامه عملی واقعی دهقانان و

صهیونیست‌ها را در واقع بسیار از یهودیان ضدصهیونیست،

به زعم این جنبش، بازگشت به یهودیت تنها

افزای هستند که به این دسته پیامبران و این

از طریق متعصب شدن به صهیونیسم عملی خواهد

بخش از تورات اهمیت می‌دهند و تابع

شد. (۱۳۸) از جمله دیگر اعتقادات بسیار جالب که

دستورات آن‌ها هستند، آیاتی که یهودیان را از

حواوی نکات فراوانی در اثبات ادعای این نوشتار

این صفات رذیله نهی می‌کند و غرور آن‌ها را

و استمرار هویتی یهود تاریخی و صهیونیسم

صهیون به صراحت اشاره شده است، از یک سو و اساس و مبنا بودن آرمان های یهود، تورات و تلمود در این تشکیلات، مصداق دیگری از ارتباط هویتی پدیده های یهود و صهیونیسم است.

۷- مبانی فکری و عناصر هویت ساز

صهیونیسم

نهضت صهیونیسم، با توجه به دلایل شکل گیری و نیز افکار رهبران آن، از همان ابتدا اعتقادی به خدا نداشت و حرکت غیردینی بود و طرفداران آن، بر این باور بودند که تبعید قوم یهود، نه حاصل گناه آنان بلکه نتیجه شمار اندک یهودیان می باشد. اما بعدها پذیرفتند که با استفاده از تعالیم دینی و روش های سیاسی، ملت یهود را باید در مکانی خاص گرد آورد (۱۳۳). در نتیجه صهیونیسم را می توان به نوعی تفسیر سیاسی تورات برشمرد. مبانی تفکر صهیونیستی بر سه پایه استوار است: (۱۳۴)

- ۱- یهود متعلق به غرب نیست.
- ۲- یهود، تبعیدی و طفیلی بوده است.
- ۳- قوم یهود باید در فلسطین تشکیل دولت دهد.

لذا صهیونیسم در واقع، یک جنبش سیاسی، استعماری و ناسیونالیستی بود ولی برای تحقق اهدافش مجبور به قدسی کردن ادعاهای خود شد (۱۳۵). اکثریت قاطع اسرائیلیان موجود نه به دین اعتقاد دارند و نه به آیین های دینی و نه به خدا، ولی به نفعشان است که برخی

می شکنند. برخی از یهودیان ضد صهیونیسم، به دلیل آن که پراکندگی یهود را مشیت الهی می دانند، اهداف اسرائیل و صهیونیسم را به نوعی مبارزه با اراده خداوند قلمداد می کنند. لذا صهیونیسم پس از جعل تاریخ سرزمین فلسطین، به زور سلسله نسب های ساختگی و

ممانعت از ازدواج و امتزاج برای قوم یهود با دیگران، نوعی تداوم نژادی و نژادپرستانه را مدعی است تا بازگشت به سرزمین اجداد را توجیه کند و نکته ای که برای ما در اثبات فرضیه نوشتار حائز اهمیت است ادعا و وانمود کردن صهیونیسم بر این منباست که "یهودیان کنونی" بازماندگان و وراث طبیعی بنی اسرائیلی های عهد تورات اند و بالاخره آرزوی هزاران ساله خود را در تمام جوامع یهود جامعه عمل پوشانده اند (۱۳۶).

مسئله مهمی که در اثبات تداوم صفات و ارتباط هویتی مطرح است، تقلید و پذیرش آرمان های توراتی صهیونیسم، حتی توسط یهودیان ملحد و بی دین است. در واقع یهودیان بی دین نیز این روحیه صهیونیستی و تلمودی را دارند و معتقدند: "یهودیسم، قومیت یهود است، حتی با خارج شدن یهودی از دین خود، دوباره رابطه ناسیونالیستی او حفظ می شود". به هر حال بسیاری از آرمان های یهود به سود منافع دنیوی و مادی یهودیان بی دین می باشد (۱۳۷).

در نهایت، ارتباط صهیونیسم با تشکیلات فراماسونری، که در پرتکل های دانشوران

میان‌مدت تلقی کردند و علاوه بر این استراتژی‌های ویژه‌ای را با هدف برنامه‌ریزی برای تثبیت حاکمیت و تحکیم سلطه صهیونیسم جهانی بر ملت‌ها و کشورهای غیر یهود به مثابه خط مشی‌های درازمدت تهیه نمودند.^(۱۳۷) اما همانطور که در گذشته ذکر شد، مبانی تفکر صهیونیسم، توسط حامیان آن، دارای سابقه و قدمت تاریخی طولانی مدتی معرفی می‌شود. به عنوان مثال آبا ابان^۱ برای اثبات اندیشه‌ها و ایدئولوژی خود، از منابع بسیار قدیمی سند می‌آورد: زمانی که رهبری ملی در فلسطین از بین رفت، زعماء در بابل و رهبری و هدایت ملت یهود را به دست گرفتند و از آن به بعد هیچ وقت در فلسطین، کانون مستقل و آزادی برای ملت یهود به وجود نیامد. ممکن بود تشکیلات اجتماعی یهود در خارج، تضعیف و سست گردد ولی تعلق خاطر و عشق به سرزمین اجزادی در درون هر فرد یهودی، همیشه شعله‌ور و افروخته بود...^(۱۳۸)

وی در ادامه همین اثبات ادعای صهیونیسم می‌گوید: «سرزمین‌ها ممکن است به وسیله اقوام خارجی اشغال گردد و برای چندین نسل در تصرف غیره قرار گیرد و غضب گردد. طبق قاعده کلی و نظام زندگی، مالکیت اصلی در هیچ زمان و به هیچ عنوان از بین نخواهد رفت. تا موقعی که، قوم بنی اسرائیل وجود دارد، سرزمین فلسطین متعلق به اوست و مالک اصلی به جز او نمودند و این امور را به عنوان خط مشی‌های

اسطوره‌های دینی را دنبال کرده و از آن‌ها برای توجیه اعمال و اهدافشان استفاده کنند^(۱۳۹). لذا از روی ناچاری سران صهیونیسم و کشور اسرائیل با احزاب مذهبی این کشور در ارتباطند و به آن‌ها بها می‌دهند و سعی در جلب هماهنگی و همکاری آن‌ها دارند و الا تعداد احزاب مذهبی در اسرائیل کم‌اند و اقلیت ناچیزی از شهروندان اسرائیلی را بر گرد خود جمع کرده‌اند.^(۱۴۰) به طور کلی می‌توان صهیونیسم را، مکتب و ایدئولوژی خاصی دانست که از جنبه نظری حول محور نگرش‌های نژادی و مبانی فکری مبتنی بر تورات تحریف شده بنا گردیده و پیروان آن ضمن تظاهر به اعتقادات خشک مذهبی و پایبندی به اصول اعتقادی تورات، اهداف و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای برای تسلط و حاکمیت بر کشورها و ملت‌های غیر یهود دنبال می‌کنند، زیرا معتقد به رجحان نژادی هستند و خود را تافته جدا بافته‌ای از سایر انسان‌ها و ملت‌ها قلمداد می‌کنند. آن‌ها اعتقاد دارند خداوند عنایت خاص و ویژه‌ای به بنی اسرائیل دارد که به دیگران ندارد. از اواسط قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم، صهیونیست‌ها در تشکل‌های مخفی خود که از نظر ساختار شباهت زیادی به سازمان‌های فراماسونری داشت به تدوین افکار و مبانی نظری خود پرداختند و اندیشه‌های تئوریک خود را حول محور چگونگی دستیابی به سرزمین، ایجاد ملت و تشکیل دولت تنظیم نمودند و این امور را به عنوان خط مشی‌های

نسبت به سایر ملل می‌داند حتی خداوند را فقط خدای یهود برمی‌شمارد و نه خدای سایر ملل که البته این عقاید را بیشتر از تورات و تلمود به دست می‌آورند.^(۱۳۶)

صهیونیست‌ها فرض را بر این داشتند که یک هویت یهودی متمایز وجود دارد که ما

اصطلاح "یهودی‌تاب" بر آن اطلاق می‌کنیم (به نقل کلاتزکین و بن‌گوریون که به ترتیب از "روش قومی‌تاب" و "یهودی‌ای" که صد در صد یهودی است" سخن گفتند). این یهودی‌درون‌خیزش حامل تمایز یهودی‌اش می‌باشد، از این روی درک او از سوی دیگران به دشواری امکان‌پذیر است. "جامعه نمی‌تواند او را جذب نماید، بدین سبب او با ملل دیگر ادغام نمی‌گردد" این ویژگی یگانه، یهودی‌را به وطن خود پیوند نمی‌دهد. از این سو کلاتزکین اعتقاد دارد هر یهودی که کشوری بیگانه را وطن خود بداند، در واقع به ملت یهود خیانت ورزیده است. این یهودی‌تاب شخصیتی است که صهیونیست‌ها ابداع کرده و به شکل "یک الگوی آرمانی" در آورده‌اند که باید بدان اقتدا کرد. شهرک‌نشینان خویشتن را سرآغاز راستین این انسان یهودی جدید می‌پنداشتند.^(۱۳۷)

حال این اسطوره‌های هویت‌ساز را می‌توان در موارد ذیل فهرست نمود:^(۱۳۸)

اسطوره کتاب مقدس، اسطوره سرزمین مقدس، اسطوره رهایی، اسطوره تداوم تاریخی اسرائیل، اسطوره بازگشت، اسطوره قوم برگزیده

در بخش عناصر هویت‌ساز صهیونیسم، لازم است به بررسی اسطوره‌های صهیونیسم به عنوان مهم‌ترین تحریک یهودیان به مهاجرت، وحدت ملت یهود، توجیه مشروعیت اسرائیل و اساس و ارکان جریان فکری صهیونیسم بپردازیم.

نخبگان صهیون جهت ایجاد انگیزه دینی و استفاده از هویت مشترک یهودی برای یهودیان سراسر دنیا جهت مهاجرت به اسرائیل، نیاز به خلق عناصر هویت‌ساز، خلق تاریخ یهود و تنظیم اسطوره‌های دینی و تاریخی داشتند. لذا با نوشتن کتب و مقالات مختلف و سخنرانی، سعی در براگنجتن احساسات یهودیان نمودند و در جاهایی که این ابزار مفید واقع نمی‌شد، از ایجاد و اجبار ترس در ذهن یهودیان بهره می‌بردند. آن‌چه در طول این قرن‌ها، پراکندگی یهودیان به عنوان هویت مشترک آن‌ها به شمار آمده و خودشان نیز احساس کرده‌اند همین "یهودی بودن" است. دائما در اقلیت بودن آن‌ها در کشورهای مختلف مسیحی موجب شد تا جمع کردن آن‌ها و ایجاد وحدت میان آن‌ها میسرتر باشد. در همین وضعیت نیز در ذهن هر یهودی "من" یهودی قداست و انسانیت دارد و "دیگری" منفعل و ابزار متصور می‌شود.^(۱۳۹)

"جریان صهیونیسم در واقع روی دیگر سکه قومی-سیاسی یهود است و یهود تنها یک جریان دینی محسوب نمی‌گردد، بلکه، یک جریان قومی-نژادی است. یهود خود را کاملا متمایز و برتر

منجی یهود، حضرت عیسی(ع) فراهم گردد، نژاد یهودیان نسل به نسل یهودی بوده و به اسباط دوازده گانه حضرت یعقوب(ع) برمی گردد. دولت و حکومت اسرائیل مرکزیت و محوریت جهان و تداوم حکومت جهانی حضرت داود و سلیمان(ع) می باشد.^{۱۱۶}

لذا به طور کلی مسئله "مهاجرت" ریشه در سنت دینی یهودیان دارد و معتقد به رجعت یهودیان به ارض موعود هستند. "مهاجرت" به عنوان یک سیاست عملی دارای ریشه عقیدتی در جامعه یهودی می باشد و صهیونیسم از این بستر مناسب برای تحقق آرمان های سیاسی خود بهره جست.^{۱۱۶}

در مورد اسطوره مرکزیت اسرائیل نیز در کتاب مباحثی در تاریخ جهان، اثر یوسوئه، یهودیه مرکز دنیاست و تمام وقایع تاریخ و تأسیس یا انهدام امپراتوری ها فقط به دلیل اراده یک خدای وفادار به بنی اسرائیل است که اینان را مسئول رهبری بشریت به سوی هدف واحدی کرده که همانا ظهور مسیح است. "برنارد لازار" از متفکرین و حامیان صهیونیسم و نویسنده کتاب "یهود ستیزی" اندیشه یهودی را بر علاقه به مرکز دنیا و تاریخ قرار دادن اسرائیل استوار می داند و از کتاب "آندره نهر (A.Neher)" عصاره پیامبری جمله ای را در این رابطه نقل می کند: "اسرائیل محور دنیاست، عصب آن است، مرکز و قلب آن است."^{۱۱۷}

در ادامه سعی می کنیم برخی دیگر از

اسطوره تبعید و آوارگی، اسطوره منحصر به فرد بودن اسرائیل، اسطوره اسرائیل به عنوان تجسم قوم یهود، اسطوره پدران بنیان گذار، اسطوره حل مسئله یهودیان، اسطوره مرکزیت اسرائیل، اسطوره زندگی کامل و بی نقص یهود، اسطوره هولوکاست، اسطوره مظلومیت، اسطوره سرزمین بدون مردم و مردم بدون سرزمین، اسطوره وعده، اسطوره نوح با کمی دقت و تأمل در این اسطوره ها، می توان به راحتی مجموعه و چارچوب فکری و عقیدتی جنبش صهیونیسم را دریافت. در واقع این اسطوره ها هستند که مبانی هویتی قوم یهود کنونی و اسرائیل را تشکیل می دهند.^{۱۱۵}

تصورات و باورهایی بر اساس این اسطوره ها ایجاد می شود که در یک جمع بندی خلاصه و کلی هویت یک یهودی صهیونیست را این گونه طراحی می سازد: "قوم یهود، قوم برگزیده خداوند و به نوعی اولیاءالله هستند و بقیه انسان ها طفیلی این قوم و برای راحتی و تنها نبودن یهودیان خلق شده اند. قوم یهود در طول تاریخ مورد ظلم، شکنجه و تحقیر دیگران بوده است و خداوند وعده رهبری و سروری این قوم بر جهان را داده و سرزمین فلسطین که سرزمین آباء و اجدادی آن هاست، محل وعده بازگشت قوم یهود و آغاز سروری جهان است. هر یهودی اگر بخواهد به شکوفایی، تقوا، کمال و آزادی دست یابد، باید به فلسطین بازگردد و با ناملایمات و بحران ها مبارزه کند تا زمینه ظهور

با فلسطین^{۱۵۱} مورد تأیید قرار گرفت (۱۵۱).
حال به بیان اسطوره‌ای دیگر می‌پردازیم:

"افسانه نژادی"

دیگر افسانه بیان‌گذار صهیونیسم، همانا تلاوم نژاد و دلتنگی و حسرت دائمی بازگشت است. یک سلسله نسب‌سازی جعلی می‌کوشد بیاوراند که همه یهودی‌های جهان، امروز، بازماندگان فقط یک نژاد هستند که جمالگی به فرمان خداوند، همراه ابراهیم و ریش سفیدان او، به سرزمین موعود کنعان آمده‌اند، سپس به مصر مهاجرت کرده‌اند و به خاطر مهاجرت معجزه‌آمیز به رهبری موسی در حدود قرن هشتم قبل از میلاد، همچنان به وسیله خدا، از بردگی رها شدند، و سپس به رهبری یوشع بن نون باز هم به امر خدا، به بیرون راندن اقوام یومی پرداختند و فاتح ارض موعود شدند تا بنای یک امپراطوری-امپراطوری داوود- را پی افکنند و همه برای این که بعد از آن، مغلوب و پراکنده شوند. پس از بازگشت اسرا و پراکندگان وتبعیدیان یهود در زمان کوروش (۳۳۹ق.م) به ارض موعود، کاهنان و بزرگان یهود برای حفظ خلوص نژاد و مذهب خود، قوانین خشن منع ازدواج با غیر یهودی‌ها را وضع کردند، به طریقه در کتاب عزرا، باب ۱۰، آیه ۱۱، آمده است: از مردم کشورها و زنان بیگانه فاصله

اسطوره‌های مهم را مورد ارزیابی قرار دهم:
افسانه حقوق تاریخی^{۱۵۲}: در گزارش سازمان صهیونیسم جهانی در کنفرانس صلح ژنو، سال ۱۹۱۹، اعلام شده است که این سرزمین، کانون تاریخی یهودیان است^{۱۵۳} و نیز در بیانیه رسمی اعلام موجودیت دولت اسرائیل (۱۹۴۸م) تأکید می‌کند که با عنایت به حقوق طبیعی و تاریخی قوم یهود^{۱۵۴} است که این دولت در فلسطین تأسیس شده است. این مفهوم^{۱۵۵} "حقوق طبیعی" در تبلیغات صهیونیستی همواره با مفهوم "وعده سرزمین" مخلوط می‌شود تا به بنی اسرائیل برای تحت سلطه درآوردن فلسطین و تملک آن یک حق الهی^{۱۵۶} "حقیقی" بدهد (۱۳۸).
این ادعا برگرفته از آیات تورات است. در سفر پیدایش، باب پانزدهم، آیه ۱۸ آمده است: در آن روز خداوند با ابراهیم (ع) عهد بست که این زمین از نهر مصر تا نهر فرات به نسل تو می‌بخشم و در آن روز مملکت در تصرف ده نفر پادشاه کافر است.^{۱۵۷} لئانادر بیانیه اعلان تأسیس دولت اسرائیل در چهاردهم می ۱۹۴۸م، از این عبارت نیز استفاده می‌شود: "ما از ملت یهود در همه دیاسپورا (سرزمین‌هایی که بدان‌ها رانده شده‌اند) می‌خواهیم که پیرامون یهودیان آرتز اسرائیل^{۱۵۸} گرد آیند تا وظیفه مهاجرت و سازندگی را ایفا کنند و آنان را در نبرد بزرگشان برای تحقق بخشیدن به "رویای دیرین" بازپس گرفتن اسرائیل یاری دهند. این مسئله حتی در میثاق جامعه ملل

در سال ۱۹۲۲م با عبارت "یوند تاریخی ملت یهود

بیش از آن که به مذاق و عقیده یهودیان عامی خوشایند باشد، بیشتر باب میل و تأمین کننده اهداف صهیونیست‌ها بود، زیرا فقط یک نژاد مستقل در اروپای مملو از جنبش‌های ناسیونالیستی حق برخورداری از یک دولت مستقل داشت (۱۵۲).

اسطوره قوم برگزیده

آمارهای دولت اسرائیل نشان می‌دهد که تنها ۱۵٪ مردم مذهبی هستند. با این حال، به اکثریت مردم این گونه قیولانده‌اند که این سرزمین متعلق به آن‌ها است چرا که خدا آن را به آن‌ها وعده داده است... خدایی که البته ملت اسرائیل به او اعتقاد ندارند (۱۵۳).

مطابق سفر تثبیه، باب هفتم، آیه ۶: "قوم خاص تو از برای خدای خالق خود تو را برگزید. خدای خالق تو از برای خود قوم برگزیده از همه قوم‌ها که در روی آن زمین ساکن‌اند." علماء و مفسرین یهود، مصداق این قوم برگزیده را قوم بنی اسرائیل می‌دانند و معتقدند که نمی‌توان پذیرفت که غیر از این قوم برگزیده پیامبری آمده و ناسخ طریقت بنی اسرائیل باشد.

اما در واقع خطاب آیه مذکور و آیات این چنین در قرآن کریم، مربوط به قومی که در آن زمین ساکن‌اند بوده است، همان قومی که وارد بیت المقدس شده و بت‌ها را شکستند و معبد‌های آنان را خراب کردند. و تأکید الهی بر عدم ازدواج با این افراد ساکن نه از روی خلوص

شده در بین ملت‌های مختلف (ادامه دارد، که در آن جوامع یهودی که صهیونیست‌ها آن‌ها را دائم و در هر قوم مظلوم معرفی می‌کنند- امید مسیحایی خود را برای یک بازگشت^۲ به ارض موعود، که موقتاً از دست رفته، حفظ می‌نمایند و بدین ترتیب در بین دیگر ملت‌ها قوم پیشوایی را تشکیل می‌دهند که به خاطر آلام و ایمان فناپذیر خود، برای رسالت الهی گواهی بر مشیت خداوند، مبعوث شده‌اند. این چنین است که تمام تاریخ بشری برگرد سرنوشت این قوم برگزیده نقش می‌گردد (۱۵۱). با این توضیحات و ادعاهای صهیونیسم، اسطوره‌های نژادی، حس بازگشت در دل یهودیان و مرکزیت تاریخ بودن قوم یهود شکل می‌گیرند.

تعریف نژادی در جریان صهیونیسم به اندیشه‌های "موسی هس" (۱۸۱۲-۱۸۷۵ م) برمی‌گردد که یهودیان را برای نخستین بار بر مبنای بیولوژیک یا نژادی معرفی نمود. وی گفت: نژاد یهود از نژادهای اصلی بشر است. این نژاد به رغم تأثیرهای محیطی یک پارچگی خویش را حفظ کرد، همچنان که یهودیت در طول دوران‌ها پاکی خود را حفظ کرده است.

"ایگناز زولچان" (۱۸۷۷-۱۹۴۸ م)، دانشمند صهیونیست، می‌گوید: "لازم است استمراریت نژاد یهود که به طور خودجوش در گذر تاریخ به تحقق رسیده حفظ گردد." وی تأکید می‌کند: "نژاد والا اگر با نژاد کمتر از خود بیامیزد به سرعت رو به پستی می‌رود. البته این تعاریف

هر چند بسیاری از صفات قوم یهود پیش از نزول قرآن و پس از آن و در طول تاریخ تاکنون دائمی و مستمر بوده‌اند. اما عدم تحقق یافتن برخی از این صفات و یا عدم یافتن استنادی تاریخی برای استمرار این صفات در مقاطعی از تاریخ به دلایل مختلف مانند فراهم نشدن زمینه ظهور و بروز این صفات، به فرضیه این تحقیق خللی وارد نمی‌سازد.

فرجام

جایگزین آن‌ها شده‌اند (۱۵۶).

لذا با توجه به دیدگاه قرآن کریم در مورد قوم یهود و صفات کنونی صهیونیسم، یهودیانی که عقاید خود را بر اساس تلمود و آیات

اسطوره "مولوکاست"

تحریف شده تورات قرار داده‌اند و به جای اطاعت و پیروی از پیامبران و فرامین الهی، به دستورات رهبران منحرف و فاسق خود توجه می‌کنند، رهبران و علمایی که آگاهانه آیات الهی را تحریف می‌کنند و حق را کتمان می‌کنند، در حالی که امت یهود به این تحریف و انحراف واقف هستند و آگاهانه تبعیت می‌نمایند،

مطابق شایعات و تبلیغات صهیونیسم، در دوران جنگ جهانی دوم، ۶ میلیون یهودی توسط هیتلر سوزانده شده‌اند و از این شایعه جهت "مظلوم‌نمایی تاریخی" قوم یهود استفاده می‌کنند که البته روزه گارودی در کتاب "محاکمه صهیونیسم اسرائیل" به تفصیل این ادعا را رد می‌کند.

یهوددییانی که ثروت و مال دنیا از هر چیزی برایشان ارزشمندتر است و خود را قوم برگزیده خدا می‌دانند و دیگران را مانند حیوانات در خدمت یهود تصور می‌نمایند و فلسطین را وعده الهی به قوم خود می‌شمارند و آرزوی بازگشت به آن را و تشکیل امپراطوری جهانی یهود را در سر می‌پیروانند، اینان همان افرادی هستند که در خطاب‌های قرآن کریم مورد سرزنش قرار

با توجه به بخش‌های قبلی، روشن شد که جریان صهیونیسم، اکثریت قریب به اتفاق صفاتی را که قرآن کریم درباره قوم یهود بیان می‌کند، داراست و آن معدود صفاتی را نیز که خاص یهود تاریخی بوده، در واقع موضوع آن‌ها از بین رفته است. به عنوان مثال قتل انبیاء الهی^۱ به دلیل پایان یافتن نبوت، منسوخ شدن به میمون^۲ و خوک^۳ به دلیل پایان یافتن عذاب نسخ و... قرار

۱۴. حسن واعظی، پیشین، ص ۱۷.
۱۵. محمد احمدی، پژوهش صهیونیست، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء الدینیه، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۲۵.
۱۶. همان، ص ۳۳۵.
۱۷. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۹۸.
۱۸. رک. عهد عتیق.
۱۹. محمد احمدی، پژوهش صهیونیست، ص ۳۳۲.
۲۰. حسین فعال عراقی، یهود در المیزان، تهران: سبحان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۶۰.
۲۱. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۰۹.
۲۲. سید جواد علم الهدی، شناخت صهیونیسم بین الملل و انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۹.
۲۳. عهد عتیق، سفر اعداد، باب ۲۵، آیه ۱ تا ۶.
۲۴. سید جواد علم الهدی، پیشین، ص ۴۲.
۲۵. همان، ص ۴۴.
۲۶. رک. محمد حسین آهنی، کتاب فریب های عملی.
۲۷. حاجی بابا قزوینی بزودی، رساله ای در رد یهودیت، ص ۲۷.
۲۸. ابابابان، قوم من، ص ۴۷.
۲۹. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۱۰.
۳۰. روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، ص ۷۸۲ به بعد.
۳۱. همان، ص ۱۲۳.
۳۲. سید جواد علم الهدی، پیشین، ص ۲۵.
۳۳. ابنس صالح، ده فرمان جنبش صهیونیسم، ترجمه سعید حقیقت شناس، ص ۱۶.
۳۴. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۲۲.
۳۵. سید جواد علم الهدی، پیشین، ص ۴۳.
۳۶. همان.
۳۷. فواد بن سید عبدالرحمن الرفاعی، نفوذ صهیونیسم بر رساله ها، ترجمه حسین سرفقامت، تهران: کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۱.
۳۸. سید جواد علم الهدی، پیشین، ص ۴۲.
۳۹. همان، ص ۴۵.
۴۰. همان، ص ۴۸.
۴۱. علی جانید بناب، پیشین، ص ۳۳.
۴۲. روزه گارودی، اسطوره های بیان گذار سیاست اسرائیل، مترجمان حمیدرضا آئیز، حمید رضا شیخی، تهران: انتشارات گهر شاه، ص ۴۴.

گرفته اند. چه در زمان پیامبر (ص) باشند، چه پیش از ظهور اسلام و چه پس از نزول قرآن زندگی کنند. بدون شک چنین قومی به طور دائم دچار "عذاب الهی"، "غضب الهی"، "تفرین پیامبران" و "به دور از رحمت الهی" می باشند، و این نتیجه گیری می تواند زمینه ساز طراحی اصول و مبانی اینتئولوژیک برای جنبش انتفاضه گردد، تا بر اساس رهنمود های قرآن کریم با صهیونیسم مبارزه شود.

پانوشته ها

۱. روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، ص ۷۷۸.
۲. حسن واعظی، نبرد نابرابر، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۱.
۳. رک. عجاج توبیخ "بروکال های دانشوران صهیون"، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. سید صادق شیرازی، دنیا بازچه یهود، ص ۱۳۰.
۵. علی جانید بناب، مملکت و صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.
۶. سید صادق شیرازی، پیشین.
۷. حمیدرضا ملک محمدی، "توتربیای اسرائیل الدینیه کز ساختار"، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره دوم، زمستان ۷۸، ص ۴۱.
۸. شمس الدین رحمانی، تصویر آینده، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۴۳.
۹. رک. مجله موعود، سال هفتم، شماره ۱۹۱، سال هشتم، شماره های ۴۴ و ۲۵.
۱۰. گنگو با شمس الدین رحمانی تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. شمس الدین رحمانی، تصویر آینده، ص ۴۳.
۱۲. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۵۶.
۱۳. محمد علی بناب، پیشین، ص ۳۶.

ادبیات

- روزنامه کیهان ۱۳۷۸/۳/۱۷
۷۳. عقیق عبدالفتاح طیاره، پیشین، ص ۱۱۵
۷۴. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۷۸۳
۷۵. علی جدید بناب، پیشین، ص ۱۱۷
۷۶. رک محمد حسین آهویی، پیشین، ص ۸۵
۷۷. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۵۸
۷۸. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۳
۷۹. محمد حسین آهویی، پیشین، ص ۲۰
۸۰. حسن واعظی، پیشین، ص ۱۷۵
۸۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه، ۷۳
۸۲. رک روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی ترجمه سربین حکمی، ص ۱۵۷ و المر بزرگی، کتاب خاطرات یک یهودی ضد صهیونیست، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص ۱۱
۸۳. عقیق عبدالفتاح طیاره، پیشین، ص ۱۲۴
۸۴. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۳۴۲
۸۵. فزاد بن سید عبدالرحمن الرافعی، پیشین، ص ۱۳۳
۸۶. اخبار صما و سیمای جمهوری اسلامی ۱۳۸۴/۵/۱۹
۸۷. جهان زیر سلطه صهیونیسم، پیشین، ص ۲۱۳، علی جدید بناب، صملکرد یهود در عصر نبوی، ص ۱۲۰ به نقل از سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۶
۸۸. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۱۶۱
۸۹. فزاد بن سید عبدالرحمن الرافعی، پیشین، ص ۷۵
۹۰. علی جدید بناب، پیشین، صص ۳۹
۹۱. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۹۰
۹۲. علی جدید بناب، پیشین، ص ۳۱۸
۹۳. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۱۵۲
۹۴. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۳۰ الی ۱۳۳
۹۵. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۱۷۱
۹۶. همان، ص ۹۶
۹۷. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۳۱
۹۸. علی جدید بناب، صملکرد یهود در عصر نبوی، ص ۱۲۰، به نقل از سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۶
۹۹. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۳۴۷
۱۰۰. رک شمس الدین رحمانی، کتاب فاتحین حقیقی جنگ، عجاج نوبیض، پیشین، ص ۲۷۵
۱۰۱. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۱۱۱
۱۰۲. رک المر بزرگی، کتاب خاطرات یک یهودی ضد صهیونیست، محمد حسین آهویی، فریب های عمدی، ص ۱۵
۳۳. عبدالهلب سعیدی، صهیونیسم، ص ۹۵
۳۴. آلودام لیلیانال، ارتباط صهیونیستی، ترجمه سید ابو القاسم حسینی، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱
۳۵. تمام مستندات پروتکل های دانشوران صهیون تا آخر مقاله مربوط به کتاب پروتکل های دانشوران صهیون اثر «عجاج نوبیض» می باشد.
۳۶. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۳۴
۳۷. علی جدید بناب، پیشین، ص ۱۲۲
۳۸. اخبار صما و سیمای جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۳۹۲۳
۳۹. فزاد بن سید عبدالرحمن الرافعی، پیشین
۴۰. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۵۲
۴۱. عجاج نوبیض «پروتکل های دانشوران صهیون»: مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۲۵۰
۴۲. روزه گارودی، پیشین، ص ۵۶
۴۳. محمد حسین آهویی، فریب های عمدی، ص ۶۵
۴۴. روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه سربین حکمی، ص ۱۷
۴۵. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۹
۴۶. همان، ص ۷۰
۴۷. عقیق عبدالفتاح طیاره، «چهره یهود در قرآن»، ترجمه سیدمهدی آیت اللهی، ص ۱۱۳
۴۸. عجاج نوبیض، پروتکل های دانشوران صهیون، ص ۲۴۹
۴۹. کاسیوس، کتاب ۷۸ فصل ۳۲
۵۰. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۴۰
۵۱. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۲۵۱
۵۲. همان، ص ۱۶۰
۵۳. علی جدید بناب، پیشین، ص ۱۱۰
۵۴. محمدا احمدی، پیشین، ص ۳۳۲ و ۳۳۳
۵۵. جهان زیر سلطه صهیونیسم، انتشارات سپاه، ص ۱۸۲
۵۶. جهان زیر سلطه صهیونیسم، انتشارات سپاه، ص ۱۸۲
۵۷. سید جواد علم الهادی، شناخت صهیونیسم بین الملل و انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۱۱
۵۸. جهان زیر سلطه صهیونیسم، پیشین، ص ۲۲۷
۵۹. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۷۱
۶۰. عقیق عبدالفتاح طیاره، پیشین، ص ۱۰۰
۷۰. عجاج نوبیض، پیشین، ص ۲۷۱
۷۱. سید صادق شیرازی، پیشین، ص ۱۱۶
۷۲. رک شمس الدین رحمانی، کتاب فاتحین حقیقی جنگ، و

- ساختار: فصلنامه «معلومات فلسطین سال اول، شماره دوم، زمستان ۷۸ ص ۴۱.
۱۳۴. همان مقاله گروه کارکردی یهود و دولت کارکردی صهیونیست نوشته عبدالوهاب المسیری، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی.
۱۳۵. حاکم قاسمی، «ناحیت تصنعی و تحمیلی دولت اسرائیل، فصلنامه «معلومات منطقه‌ای»، ص ۸۲
۱۳۶. روزبه گارودی، «اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، مترجمان حمیدرضا آذری، حمید رضا شیخی، ص ۷۸»
۱۳۷. روزبه گارودی، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرتین حکمی، ص ۷۴.
۱۳۸. حسن واعظی، «پیشین، ص ۲۰»
۱۳۹. شمس‌الدین رحمانی، «پیشین، ص ۴۶»
۱۴۰. ابابابان، قوم من، ص ۱۹۲.
۱۴۱. فصلنامه «معلومات فلسطین سال اول، شماره دوم، زمستان ۷۸ ص ۲۴»
۱۴۲. انیس صلیخ، «ده فرمان جنبش صهیونیسم، ترجمه سعید حقیقت‌شناس، ص ۱۶»
۱۴۳. عبدالوهاب مسیری، «صهیونیسم، ص ۸۱»
۱۴۴. حاکم قاسمی، «ناحیت تصنعی و تحمیلی دولت اسرائیل، فصلنامه «معلومات منطقه‌ای»، ص ۸۸»
۱۴۵. رک کتاب «اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، روزبه گارودی، مترجمان حمیدرضا آذری، حمید رضا شیخی.
۱۴۶. اصغر افتخاری، «جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، ص ۳۵»
۱۴۷. روزبه گارودی، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرتین حکمی، ص ۱۲ و ۱۳»
۱۴۸. همان، ص ۲۹»
۱۴۹. حاجی بابا قزوینی «در سایه‌های دردیهودیت، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۸»
۱۵۰. آلفردم ایلپاتیان، «پیشین، ص ۱۰۶»
۱۵۱. روزبه گارودی، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرتین حکمی، ص ۴۱ و ۴۲»
۱۵۲. اصغر افتخاری، «جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، ص ۱۳۳»
۱۵۳. عبدالوهاب مسیری، «پیشین، ص ۸۵»
۱۵۴. حاجی بابا قزوینی «پیشین، ص ۲۰۱»
۱۰۴. عجاج نوبختی، «پیشین، ص ۲۵۰»
۱۰۵. همان، ص ۲۶۳»
۱۰۶. مهدی رضوی، «تیرگ‌سازی صهیونیسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲»
۱۰۷. همان، ص ۱۲»
۱۰۸. محمد احمدی، «پیشین، ص ۳۱۶»
۱۰۹. احمد تدین، «بنیادگرایی صهیونیستی یهود، تهران: هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶»
۱۱۰. آلفردم ایلپاتیان، «پیشین، ص ۱۰۲»
۱۱۱. روزبه گارودی، «پیشین، ص ۱۶»
۱۱۲. روزبه گارودی، «اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، مترجمان حمیدرضا آذری، حمید رضا شیخی، ص ۳۹»
۱۱۳. روزبه گارودی، «محاكمه صهیونیسم اسرائیل، تهران: کیهان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹»
۱۱۴. محمد احمدی، «پیشین، ص ۳۱۲»
۱۱۵. عبدالوهاب مسیری، «صهیونیسم، ص ۱۷۸»
۱۱۶. روزبه گارودی، «اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، «پیشین، ص ۵۶»
۱۱۷. همان، ص ۸۲»
۱۱۸. سید صادق شیرازی، «پیشین، ص ۱۱۶ و روزبه گارودی، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرتین حکمی، ص ۱۷»
۱۱۹. احمد تدین، «بنیادگرایی صهیونیستی یهود، ص ۱۱۲»
۱۲۰. مقاله کوین آوریخ، «فصلنامه «معلومات منطقه‌ای، شماره ۱۳، ترجمه بیژن اسدی، ص ۸۵»
۱۲۱. همان، ص ۸۷»
۱۲۲. سید جواد علم‌الهدی، «پیشین، ص ۲۴»
۱۲۳. سید صادق شیرازی، «پیشین، ص ۴۰»
۱۲۴. همان، ص ۵۵»
۱۲۵. همان، ص ۵۶»
۱۲۶. احمد تدین، «پیشین، ص ۱۱۴»
۱۲۷. همان، ص ۱۱۱»
۱۲۸. همان، ص ۱۲۰»
۱۲۹. همان، ص ۱۱۵»
۱۳۰. روزبه گارودی، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرتین حکمی، ص ۸۰»
۱۳۱. همان، ص ۳۷»
۱۳۲. سید جواد علم‌الهدی، «پیشین، ص ۵۵»
۱۳۳. حمیدرضا ملک محمدی، «توتویای اسرائیل اندیشه کر